NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

چهارشنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۸۹
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران



وداع با فقیه بزرگ جهان اسلام

روز گذشته آیت‌الله العظمی وحید خراسانی فقیه اهل بیت علیهم السلام، مرجع عالیقدر جهان تشیع، عالم ربانی و استاد بزرگ حوزه های علمیه به ملکوت اعلی پیوست. فقیه والامقامی که پس از دهه ها تحصیل، تحقیق و تعلیم علوم آل محمد صِلی اللهُ عَلیه و آله و سِلم، دفاع از حریم مقدس اهل بیت علیهم السلام ، کفالت ایتام حضرت ولی عصر عجل اللّه تعالَی فرجه، تربیت جمع کثیری از عالمان فاضل و احیای شعائر دینی به ویژه عزای صدیقه کبری سلام الله علیها پس از ایام شهادت آن حضرت جان به جان آفرین تسلیم کرد و دلهای همه کسانی که به جهت دلدادگی آن فقیه ربانی به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به ایشان خالصانه ارادت می ورزیدند را داغدار نمود.

۳



«نوبنیاد» دو روایت مشکوک از رسانه‌های رقیب ترامپ با هدف توجیه حمله به زیرساخت‌های ایران را بررسی می‌کند

دموکرات‌ها در خدمت جنگ

۷

توازن قدرت یا توازن امنیت؟

فرزاد مخلص‌الائمه
استاندار مرکزی در دولت شهید رییسی

در ادبیات روابط بین‌الملل، «توازن قدرت» (Balance of Power) یکی از مفاهیم بنیادین برای توضیح مناسبات میان کشورها و جلوگیری از برتری مطلق یک بازیگر بر دیگران است. براساس این منطق، کشورها می کوشند با افزایش توانمندی‌های خود یا ایجاد ائتلاف، مانع شکل‌گیری هژمونی و سلطه یک قدرت شوند. اما در کنار توازن قدرت، می‌توان از مفهوم «توازن امنیت» (Balance of Security) سخن گفت؛ مفهومی که به جای تمرکز صرف بر میزان قدرت بازیگران، بر وضعیت امنیتی متقابل، هزینه‌های تهدید و تجاوز و امکان حفظ امنیت پایدار تأکید دارد.

متن کامل در صفحه ۳



واکاوی گزارش وزیر اقتصاد درباره کنترل رشد قیمت‌ها

ژست قهرمان با تورم ۸۹ درصدی!

۴



رویکرد وحدت‌شکن و اختلاف‌برانگیز حلقه نزدیک به قالیباف

مشاوران تندخوی آقای رئیس

۳

فرهنگی | صفحه ۸

ابتذال در نمایش خانگی برای وایرال

صحنه جنجالی «یل» را باید در بستر روندی بررسی کرد که طی سال‌های گذشته در بخشی از نمایش خانگی شکل گرفت. مسئله بر سر یک قاب یا یک تماس فیزیکی نیست. نگرانی اصلی، تکرار الگویی است که در آن عبور از خطوط اخلاقی و شرعی و ورود نهادهای نظارتی، به چرخه‌ای برای افزایش توجه عمومی به یک اثر تبدیل می‌شود.

سیاسی | صفحه ۲

ایده‌های عجیب پزشکیان؛ اینبار واردات کارشناس از خارج

پزشکیان روز گذشته در آیین تجلیل از مدال‌آوران المپیادهای علمی و دو هفته پیش در نشست دیگری، بار دیگر بر ضرورت بهره‌گیری از مشاوران و الگوهای خارجی تأکید کرد. این مواضع ادامه همان مسیر «ضعیف‌نمایی» و نشان‌دهنده نبود برنامه مشخص برای اداره کشور پس از بیش از دو سال فعالیت دولت چهاردهم است.

خبر کوتاه

سرلشکر عبداللهی: آمریکایی‌ها را در این منطقه تا قطب جنوب عقب خواهیم راند

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با تأکید بر اینکه اراده ملی و ایمان، نه تجهیزات نظامی، سرنوشت میدان جنگ را تعیین می کند، گفت: به صراحت و با جرأت اعلام می کنم ما امروز توانستیم در مقابل دو قدرت بزرگ دنیا مقاومت کنیم. در حوزه دریایی، دستاوردها و توفیقات قابل توجهی حاصل شد و نیروهای مسلح توانستند در برابر توان دریایی آمریکا اقدامات مؤثری انجام دهند. ما در پهنه دریا توانستیم آمریکایی ها را عقب برانیم؛ به فضل الهی در این منطقه، آمریکایی ها را تا قطب جنوب عقب خواهیم راند؛ آمریکایی ها منتظر این اقدام ما باشند. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به اینکه دشمن نه موفق به تصرف خاک کشور شد و نه توانست اراده ملت ایران را متزلزل کند، تصریح کرد: این جنگ فرصتی فراهم کرد تا نقاط ضعف در حوزه نظامی شناسایی و برطرف شود و توان تولید تجهیزات داخلی با قابلیت و کارایی بیشتر استمرار یابد.

انهدام یک فروند MQ۱ با آتش پدافند نوین هوافضای سپاه

روز گذشته، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد که یک فروند MQ-1 با آتش سامانه نوین پدآفند هوافضای سپاه در جنوب جزیره قشم منهدم شد. این هجدهمین پهپاد MQ-1 است که با آتش پدافند هوافضای سپاه از زمان پایان جنگ تحمیلی 40 روزه تاکنون منهدم شده است. روابط عمومی سپاه پیش از این نیز در ۲۳ آبان از رهگیری و انهدام هفدهمین پهپاد آمریکایی «ام کیو۱» (MQ-1) بر فراز جزیره قشم با آتش پدافند نیروی هوافضای سپاه خبر داده بود. سپاه در دو اطلاعیه جداگانه در روزهای ۱۳ و ۱۵ آبان نیز به ترتیب از انهدام پانزدهمین و شانزدهمین پهپاد از همین نوع در آسمان قشم خبر داده بود. گفتنی است؛ تاکنون 56 فروند پهپاد دشمن متخاصم آمریکایی از نوع MQ-9 و 18 فروند از نوع MQ-1 توسط پدافند نوین هوافضای سپاه پاسداران شکار شده است.

حریق دو نفتکش متخلف در شرق تنگه هرمز

روز گذشته، نیروی دریایی ارتش اعلام کرد که یک فروند نفتکش متخلف دیگر، ساعتی قبل با برخورد به مین دریایی در شرق تنگه هرمز دچار آتش سوزی شد. این نفتکش هم، همانند سایر نفتکش‌هایی که در روزهای گذشته دچار حریق و آسیب دیدگی شده بودند، در منطقه ممنوعه تردد می کرد و سامانه های خود را خاموش کرده بود. نیروی دریایی ارتش تاکید کرد؛ دریادلان نیروی دریایی ارتش، با ایمان و اقتدار، از وجب به وجب تنگه هرمز و مرزهای آبی ایران دفاع میکنند.

انهدام ۲ هسته گروهک‌های تروریستی-تجزیه طلب در کردستان

روز گذشته، وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای تأکید کرد: اعضای دو هسته مسلح گروهک تجزیه طلب که در راستای طرح صهیونیستی و آمریکائی، در حال سازماندهی برای اقدامات تروریستی و ناامنی در داخل استان کردستان بودند، در تور اطلاعاتی سربازان گمنام امام زمان(عج) قرار گرفته و تمامی ۹ تروریست عضو این دو هسته شناسایی و بازداشت شدند. در جریان این سلسله اقدامات، یکی از سر شبکه‌های اصلی خارج نشین که با هدایت یک سرویس اطلاعاتی منطقه، ماموریت ایجاد و هدایت شبکه‌ی مسلح در شهرستان کامیاران را بر عهده داشت، بازداشت شد. از این سلول های تروریستی سازماندهی شده، تعداد ۴۷ قبضه سلاح کلاشینکف، ۹۳ تیغه خشاب، ۲۷۰۰ فشنگ و ۷۰ دستگاه تجهیزات ارتباطی استارلینک کشف و ضبط شد.

بعد از جستجوی راه‌حل مشکلات در کتاب‌ها و پیشنهاد استفاده از مشاوران خارجی، رئیس دولت اینبار از اعزام کارشناسان به ترکیه برای کسب تجربه سخن گفت

ایده‌های عجیب پزشکیان؛ اینبار واردات کارشناس از خارج

مسعود پزشکیان روز گذشته در آیین تجلیل از مدال‌آوران المپیادهای علمی و دو هفته پیش در نشست آمایش سرزمینی، بار دیگر بر ضرورت بهره‌گیری از مشاوران و الگوهای خارجی تأکید کرد. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که اصل ۸۲ قانون اساسی استخدام کارشناسان خارجی را جز در موارد ضرورت و با تصویب مجلس ممنوع کرده و رهبر شهید انقلاب پیش‌تر به اظهاراتی مشابه سخنان پزشکیان تذکر داده بودند. گفتنی است که این مواضع پزشکیان ادامه همان مسیر «ضعیف‌نمایی» و نشان‌دهنده نبود برنامه مشخص برای اداره کشور پس از بیش از دو سال فعالیت دولت چهاردهم است.



برجام و استفاده از آشپزان خارجی در اهل اتریش در قطار

گفتنی است در دولت یازدهم و زمانی که برجام در حال اجرا بود، در حالی که اذهان عمومی انتظار یک تحول بزرگ در صنعت حمل‌ونقل ریلی کشور را می‌کشید، به یکباره «فردریش اشتیفت»، سفیر اتریش در تهران، دومین دستاورد برجام را واگذاری کترینگ راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران (صنعت آماده‌سازی و طبخ غذا و نوشیدنی در آشپزخانه مرکزی و سروآنها در قطارها جهت پذیرایی) به یک شرکت اتریشی اعلام کرد تا از آن پس، قرمه‌سبزی ایرانی به‌جای آشپزهای ماهر ایرانی، توسط آشپزهای اتریشی طبخ شود و غذای فرنگی نیز در سبد غذایی مسافران راه‌آهن قرار گیرد. به عبارت دیگر، سهم وزارت راه و شهرسازی از برجام کترینگ خارجی بود.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

روز گذشته، رئیس دولت چهاردهم در آیین تجلیل از مدال‌آوران المپیادهای علمی جهانی در سال ۲۰۲۶، بار دیگر با سخنان خود حاشیه‌آفرینی کرد. وی در این مراسم گفت: «اگر لازم باشد، اساتید را به کشورهایی مثل چین، ترکیه یا ژاپن می فرستیم تا الگوهای موفق را ببینند و متناسب با شرایط کشور اجرا کنند.» رئیس جمهور افزود: «اینکه می گوییم آمریکایی ها گرفتار شدند، به معنای آن نیست که ما گرفتار نیستیم، ولی با کمک کسانی که دل در گرو این آب و خاک دارند، مشکلات خود را حل خواهیم کرد.»

علاوه براین، پزشکیان دو هفته پیش، روز چهارشنبه ۱۳ آبان ماه ۱۴۰۵، در نشست تخصصی «آمایش هوشمند سرزمین و طرح های عمرانی» گفته بود: «بهره‌گیری از دانش جهانی و مشاوره با مشاوران خارجی می تواند به راهبردهایی که واقع بینانه هستند، کمک کند و براساس شناخت دقیق شرایط شکل بگیرند. در هر استان، با انجام آمایش سرزمینی و استفاده از دانش و تجربه جهانی، می‌توان برنامه‌های عملیاتی را با اختصار و دقت بیشتر تدوین و اجرا کرد. برای این منظور، کافی است بدانیم در چه وضعیتی قرار داریم و چه چشم‌اندازی را دنبال می کنیم.» پزشکیان همچنین در این جلسه مطرح کرد که: «اجازه استفاده از مشاوران خارجی از رهبر انقلاب اخذ شده است» و افزود: «اگر می خواهیم در حوزه توسعه سرزمینی از دیگر کشورهای عقب نمانیم، باید براساس اصول اثبات‌شده حرکت جهانی و بهترین روش‌ها برای اجرای طرح‌های عملیاتی را برگزینیم.»

این اظهارات پزشکیان در حالی مطرح می‌شوند که به موجب اصل هشتاد و دوم قانون اساسی، استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضرورت و با تصویب مجلس شورای اسلامی. از سوی دیگر، این مسئله طی یک دهه اخیر چندین بار مطرح شده بود و مورد تذکر رهبر شهید انقلاب نیز قرار گرفته بود.

پیروز حناچی، اصلاح‌طلب و شهردار اسبق تهران، در سال ۹۷ سخنانی مشابه اظهارات رئیس جمهور مطرح کرده بود. وی گفته بود: «برای این کار ما به بهترین متخصصان شهری نیاز داریم. مگر ما برای تیم ملی نمی رویم مربی خارجی می گیریم. شهرسازی کشور از تیم ملی کشور کمتر است؟ ما باید قبول کنیم که خیلی از تجربیات را نداریم. ما باید قبول کنیم که تجربه منطقه‌ای در مقیاس کلان‌شهر را به‌طور کامل نداریم. ما تجربیاتی که لیست می کند سیاست‌های اقتصادی را با سیاست‌های تعادل منطقه‌ای در دانشگاه تجربه نکردیم.»

علاوه براین، محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر صنعت دولت اول حسن روحانی، در موضعی مشابه گفته بود: «من به برخی از شرکت‌ها پیشنهاد واردات مدیران خارجی را دادم که برخی از آنها نیز اقدام به این کار و از این شرایط استقبال کردند. هیچ اشکالی ندارد که برای حضور در بازارهای بین‌المللی از مدیران باتجربه خارجی و دانش آنها استفاده کنیم. همان‌طور که در بخش ورزشی مربی خارجی به کشور می‌آوریم، در اقتصاد نیز نیازمند آوردن مدیران اقتصادی خارجی هستیم.»

در همین راستا و در واکنش به همین مواضع مشابه رئیس جمهور، محسن هاشمی درباره ماجرای تذکر رهبر معظم انقلاب به پیروز حناچی در روزنامه اعتماد نوشته بود: «در دوران شورای شهر پنجم همراه با جناب آقای حناچی، شهردار وقت تهران، برای مراسم نماز جماعت ظهر و عصر به دفتر رهبری رفتیم و با دیگران نماز را به امامت آیت‌الله خامنه‌ای خواندیم. بعد از نماز فرصت کوتاهی پیش آمد که در میان هیاهوی حاضران چند کلمه‌ای هم ایستاده با ایشان صحبت کنم. ایشان به آقای حناچی تذکر دادند که گویا شهرداری قصد استفاده از مشاور خارجی برای بررسی و طراحی بعضی از پروژه‌ها و مسائل مبتلابه در شهرداری را دارد و فرمودند به اندازه کافی در کشور در این زمینه‌ها عالم و کارشناس برجسته و مبرز وجود دارد و با یک جمله آقای حناچی را از این کار پرهیز دادند.»

بنابراین، در شرایطی کنونی که کشورمان به یک ابرقدرت تبدیل شده و توانسته‌ایم آمریکا را شکست بدهیم، این گونه مواضع رئیس جمهور چه سودی برای حکمرانی و مدیریت در کشور دارد؟ مواضعی که نه‌تنها عایدی برای کشور به همراه ندارد، بلکه ادامه همان مسیر ضعیف‌نمای رئیس جمهور در دوسال اخیر است. بیش از دو سال از عمر دولت می گذرد و هنوز رئیس جمهور به دنبال راه‌حل در کتاب‌هاست! و مکرر از مردم درخواست می‌شود که برنامه ارائه کنند؛ موضوعی که نشان می‌دهد برنامه نداشتن برای اداره کشور چه پیامدهای سختی برای اقتصاد و رفاه مردم به همراه دارد.

سیاسی

طرح خروج خودکار از NPT روی میز مجلس



روز گذشته، میرسامان پیشوایی، رئیس سازمان بسیج اساتید کشور، از تدوین طرحی در این سازمان با همکاری استادان متخصص و تقدیم رسمی آن به مجلس شورای اسلامی خبر داده است؛ طرحی که بر اساس آن، در صورت حمله مجدد به مراکز هسته‌ای ایران، خروج کشور از NPT به‌صورت خودکار انجام شود و دولت مکلف به اجرای فوری آن باشد. در همین چارچوب، پیشوایی یادآور شد: «نظر به عدم ایفای تعهدات متقابل در NPT و سکوت در مقابل تجاوز آمریکا به مراکز هسته‌ای توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، طرحی در بسیج اساتید با همکاری استادان متخصص تهیه و به‌طور رسمی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد.» وی افزود: در این طرح پیشنهاد شده است که در صورت حمله مجدد به مراکز هسته‌ای ایران، کشور به‌صورت خودکار و بدون نیاز به طرح مجدد موضوع در مجلس از NPT خارج شود و دولت نیز مکلف به اجرای فوری این اقدام باشد. گفتنی است پس از حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران و عدم واکنش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به این تجاوز، موضوع بازنگری در نحوه عضویت ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و حتی خروج از این پیمان، به یکی از مطالبات مطرح در فضای سیاسی و عمومی کشور تبدیل شد؛ مطالبه‌ای که طی روزهای گذشته با طرح پیشنهادهای مختلف از سوی نمایندگان مجلس، کارشناسان و فعالان سیاسی دنبال شده است.

وداع با فقیه بزرگ جهان اسلام



روز گذشته آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی فقیه اهل بیت علیهم السلام، مرجع عالیقدر جهان تشیع، عالم ربانی و استاد بزرگ حوزه های علمیه به ملکوت اعلی پیوست. فقیه والامقامی که پس از دهه ها تحصیل، تحقیق و تعلیم علوم آل محمد صَلَی‌اللهُ‌عَلَیه وآلِه وسَلَّم، دفاع از حریم مقدس اهل بیت علیهم السلام، کفالت ایتام حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه، تربیت جمع کثیری از عالمان فاضل و احیای شعائر دینی به ویژه عزای صدیقه کبری سلام‌الله‌علیها پس از ایام شهادت آن حضرت جان به جان آفرین تسلیم کرد و دلهای همه کسانی که به جهت دلدادگی آن فقیه ربانی به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به ایشان خالصانه ارادت می ورزیدند را داغدار نمود. قابل ذکر است که آیین تشییع پیکر مطهر آیت‌الله‌العظمی حسین وحید خراسانی روز پنجشنبه در مشهد مقدس و در حرم مطهر امام رضا (ع) برگزار خواهد شد. بر اساس برنامه اعلام‌شده، پس از برگزاری مراسم تشییع در بارگاه ملکوتی حضرت ثامن‌الحجج (ع)، پیکر این مرجع فقید برای خاکسپاری به محل تعیین‌شده در جوار مضجع شریف امام هشتم شیعیان منتقل می‌شود. به این ترتیب، مشهد مقدس پنجشنبه میزبان آیین تشییع و خاکسپاری این مرجع عالی‌قدر خواهد بود و پیکر آیت‌الله العظمی وحید خراسانی در جوار بارگاه نورانی امام رضا (ع) آرام می گیرد.

گفتنی است، آیین تشییع پیکر مطهر آیت‌الله‌العظمی حسین وحید خراسانی، امروز چهارشنبه ساعت ۹ صبح از مسجد فاطمیه واقع در خیابان ۱۹ دی شهر قم آغاز خواهد شد. در این مراسم، پیکر این مرجع فقید از مسجد فاطمیه به سمت حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) انتقال می یابد و آیین تشییع در این مسیر برگزار می شود.

نوبنیاد از رویکرد وحدت‌شکن و اختلاف‌برانگیز حلقه نزدیک به قالیباف گزارش می‌دهد

مشاوران تندخوی آقای رئیس

علیرغم تاکیدات رهبر معظم انقلاب و همچنین سران قوا بر رعایت وحدت و اهمیت آن در شرایط فعلی کشور، برخی مشاوران رئیس مجلس رویه دیگری در پیش گرفته و از هر فرصت و تریبونی برای تخطئه رقبای سیاسی و اختلاف‌افکنی بهره می‌گیرند. این رویکرد مخرب سیاسی در شرایطی است که جریان سیاسی نزدیک به قالیباف برای سالها مدعی وحدت بوده و هرگونه اختلاف‌نظر و یا انتقاد از او را با برچسب‌های وحدت‌شکنی و تکروی مورد هجمه قرار می‌دادند. امیرابراهیم رسولی مشاور رئیس مجلس، مهدی محمدی مشاور راهبردی قالیباف و سعید آجرلو عضو تیم مذاکرات اسلام‌آباد از جمله این افراد به حساب می‌آیند.

امین مهاجر
روزنامه نگار



رهبر معظّم انقلاب تیرماه گذشته در پیام‌شان درباره‌ی حماسه عظیم بدرقه آقای شهید ایران و تبیین مسائل مهم کشور تاکید داشتند: لازم است به شما مردم باوفا و سرافراز ایران عرض شود که از جمله اصولی‌ترین امور در این برهه، اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدّس در همه‌ی سطوح مردم و مسئولان و در تمام عرصه‌ها برای تحقّق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تأمین عزّت و استقلال ایران عزیز خصوصاً در برابر دشمن جنایتکار و حیله‌گر امریکایی است.

در این پیام همچنین تاکید شده‌بود: همانگونه که پیش از این مکرّراً و مؤکّداً تذکر داده شد، صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی وظیفه‌ی همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دلباخته‌ی انقلاب و امام و رهبر شهید در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حسّاس‌تر است.

تاکید رهبر معظم انقلاب بر نقش مهم‌تر و حسّاس‌تر مسئولان در انسجام و یکپارچگی کشور هرچند از طرف عموم مسئولان و مردم مورد توجه و استقبال قرار گرفت اما حلقه نزدیکان رئیس مجلس در عمل به این مطالبه رهبری نمره قبولی نمی‌گیرند.

چنانکه طی چند ماه اخیر، مشاوران قالیباف هر موضوع و مسئله سیاسی در کشور را به معرکه‌ای برای دوقطبی سازی و اختلاف افکنی مبدل ساختند؛ از مذاکرات شکست‌خورده اسلام‌آباد تا محکومیت حجت‌الاسلام رسایی به زندان با شکایت رئیس مجلس و حتی همصدایی با اصلاح‌طلبان در فضاسازی علیه رئیس سازمان صداوسیما.

در همین راستا امیرابراهیم رسولی مشاور قالیباف اخیراً طی گفتگویی با رسانه اصلاح‌طلب ایلنا با اذعان به مطلب که تلاش برای جبران شکست در انتخابات پلشتی است، تعابیر تندی علیه جلیلی نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی و همچنین جبلی رئیس صداوسیما و منصوب رهبر شهید بیان کرد. رسولی در این گفتگو از وجود اجماع برای خداحافظی مدیران صداوسیما سخن گفت و مدعی شد: هر میزان امتیازی که در زمان مسئولیت جلیلی در شعار قرار بود داده شود، با تذکر رهبر شهید، جلوی ادامه آن مسیر گرفته شد!

مهدی محمدی دیگر مشاور رئیس مجلس روز گذشته پا را از این هم فراتر نامیده و منتقدان مذاکرات را سربازان پوششی اسرائیل در ایران نامید. او اخیراً در یک فایل صوتی با کنایه به دبیر شورای عالی امنیت ملی مدعی شد: نه در اسلام‌آباد اشتباهی رخ داده و نه شروط فعلی چیزی متفاوت از آن است. وی همچنین گفت: حرف‌هایی که زده می‌شود کاملاً بی‌اعتبار است. این موضع مشاور قالیباف در حالی است که هفته گذشته محسن رضایی به صراحت از اشتباهات تفاهم‌نامه اسلام‌آباد سخن گفته بود.

اعتراض نمایندگان به وحدت‌شکنی

این رویکرد تیم قالیباف، حتی در میان نمایندگان مجلس نیز انتقاداتی را به دنبال داشت. هفته گذشته ده‌ها نماینده مجلس ناظر به این رفتارها در بیانیه‌ای تاکید داشتند: اگر از مردم می خواهیم اختلافات را کنار بگذارند و در برابر مشکلات و تهدیدات کشور متحد باشند، آیا مسئولان و رؤسای قوا نباید پیشگام گذشت، تحمل اختلاف و سعه صدر باشند؟ در ماه‌های گذشته بارها مردم و نخبگان به وفاق، وحدت و پرهیز از اختلاف دعوت شده‌اند؛ اما وفاق زمانی معنا دارد که در رفتار مسئولان نیز دیده شود.

یادداشت

توازن قدرت یا توازن امنیت؟

فرزاد مخلص‌الائمه
استاندار مرکزی در دولت شهید رییسی

در ادبیات روابط بین‌الملل، «توازن قدرت» (Balance of Power) یکی از مفاهیم بنیادین برای توضیح مناسبات میان کشورها و جلوگیری از برتری مطلق یک بازیگر بر دیگران است. بر اساس این منطق، کشورها می کوشند با افزایش توانمندی‌های خود یا ایجاد ائتلاف، مانع شکل‌گیری هژمونی و سلطه یک قدرت شوند. اما در کنار توازن قدرت، می‌توان از مفهوم «توازن امنیت» (Balance of Security) سخن گفت؛ مفهومی که به جای تمرکز صرف بر میزان قدرت بازیگران، بر وضعیت امنیتی متقابل، هزینه‌های تهدید و تجاوز و امکان حفظ امنیت پایدار تأکید دارد.

توازن قدرت لزوماً به معنای توازن امنیت نیست. ممکن است کشوری از نظر اقتصادی، نظامی و فناورانه قدرت بیشتری داشته باشد، اما نتواند امنیت خود را در محیط پیرامونی تضمین کند؛ همان‌گونه که ممکن است کشوری با وجود برخورداری از قدرت مادی کمتر، به پشتوانه ظرفیت‌های دفاعی، موقعیت ژئوپلیتیکی، انسجام ملی و توان بازدارندگی، امکان تهدید و تحمیل اراده را از رقیبان سلب کند.

از این منظر، قرار نیست همه کشورها از قدرتی برابر برخوردار باشند؛ مهم این است که هیچ کشوری نتواند با اتکا به برتری قدرت خود، امنیت کشور دیگری را سلب کند. این همان منطق توازن امنیت است.

در چنین چارچوبی، مفهوم پیروزی و شکست نیز معنای متفاوتی پیدا می کند. پیروزی الزاماً به معنای شکست نظامی یا سیاسی طرف مقابل، تصرف سرزمین یا تحمیل اراده بر دیگری نیست؛ همان‌طور که برتری نظامی و برخورداری از قدرت مادی بیشتر نیز لزوماً به معنای پیروزی راهبردی نیست. پیروزی واقعی زمانی معنا پیدا می‌کند که یک کشور بتواند امنیت، استقلال، تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت خود را حفظ کند و مانع تحمیل اراده دیگران شود. در مقابل، شکست راهبردی زمانی رخ می‌دهد که کشوری، حتی بدون شکست نظامی، امکان تأمین امنیت و تصمیم‌گیری مستقل خود را از دست بدهد.

ایران نیز می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، توان دفاعی و بازدارندگی، عمق راهبردی، سرمایه اجتماعی و انسجام ملی، در شکل‌دهی به چنین توازنی نقش‌آفرینی کند. در این چارچوب، ایستادگی در برابر قدرت‌های زورگو الزاماً به معنای برخورداری از قدرتی هم‌تراز با آنها نیست؛ بلکه به معنای برخورداری از ظرفیت‌هایی است که هزینه تهدید و تجاوز را افزایش داده و امکان تحمیل اراده یک‌جانبه را محدود می کند.

بنابراین، مسئله راهبردی ایران نباید صرفاً رقابت برای رسیدن به تراز قدرت‌های بزرگ باشد؛ بلکه باید ایجاد و تثبیت توازن امنیت را دنبال کند؛ توازنی که در آن امنیت ایران قابل معامله و نادیده‌گرفتنی نباشد و هیچ قدرتی نتواند با تکیه بر برتری مادی خود، صلح و ثبات منطقه را به نفع خویش تعریف کند. *در نهایت، پیروز واقعی کشوری نیست که لزوماً قدرت بیشتری دارد؛ کشوری است که بتواند امنیت و اراده مستقل خود را حفظ کند، بی‌آنکه اجازه دهد دیگران برای سرنوشتش تصمیم بگیرند.

قوه قضائیه: حضور شریعتمداری در هلدینگ خلیج فارس خلاف قانون است



ماجرای تغییر مدیریت هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج فارس از تابستان امسال آغاز شد. در این روند، موضوع جایگزینی مدیران و معرفی حسن عباس‌زاده برای مدیرعاملی مجموعه مطرح شد و سازمان بورس نیز به‌عنوان نهاد ناظر، بر ضرورت رعایت تشریفات قانونی تأکید کرد. با وجود این، در ۲۷ مردادماه، سازمان بورس صلاحیت حرفه‌ای عباس‌زاده را برای تصدی مدیرعاملی هلدینگ تأیید کرد، اما شریعتمداری با ارسال نامه‌ای به رئیس سازمان بورس اعلام کرد: دفتر رئیس جمهور دستور توقف تغییرات مدیریتی را صادر کرده است و با استناد به ابلاغیه دفتر رئیس جمهور خطاب به وزیر وقت نفت، خواستار توقف اقدامات شد. در کنار این ماجرا، پرونده قضایی شریعتمداری و عبدالعلی علی عسگری، مدیرعامل سابق هلدینگ، نیز به مرحله نهایی رسید. شعبه تجدیدنظر دیوان محاسبات در رأی قطعی ۱۹ مردادماه ۱۴۰۵، درخواست اعاده دادرسی این دو مدیر را رد و حکم یک سال انفصال موقت از خدمات دولتی را تأیید کرد. دیوان محاسبات چهارم مهرماه نیز از قطعی شدن رأی خبر داد و در ادامه، با ارسال نامه‌ای به حمید بورد، سرپرست وزارت نفت، خواستار اجرای حکم شد. سرانجام دیروز (۲۶ آبان ماه) سید علی کاظمی، سخنگوی قوه قضائیه، در نشست خبری با تأکید بر قطعی و لازم‌الاجرا بودن حکم گفت: حکم انفصال این فرد قطعی شده و به تأیید حاکم شرع دیوان محاسبات نیز رسیده است. وی افزود: فرد مورد نظر قانوناً باید از مسئولیت خود منفصل شود و نظارت‌های لازم برای اجرای حکم انجام خواهد شد تا این حکم به مرحله اجرا برسد. در اجرای این حکم تردیدی وجود ندارد. سخنگوی قوه قضائیه تصریح کرد: استمرار حضور فرد متصدی خلاف قانون است و حکم باید حتماً اجرا شود. خبرگزاری فارس نیز در گزارشی نوشت: حمید بورد، سرپرست وزارت نفت، حکم انفصال محمد شریعتمداری را برای اجرا به صندوق بازنشستگی نفت ابلاغ کرده است.

شریعتمداری در دولت اول حسن روحانی ابتدا معاون اجرایی رئیس جمهور بود اما در دولت دوم روحانی و با رأی مجلس به وزارت صنعت، معدن و تجارت رسید. دوران وزارت او در صمت با حواشی و انتقادهای جدی همراه بود؛ پرونده‌ای که در آن، با وجود توقف واردات خودرو، هزاران خودرو به صورت غیرقانونی و در نیمه شب ثبت سفارش شدند. شریعتمداری در نهایت در مهرماه ۱۳۹۷ و در آستانه استیضاح از وزارت صمت استعفا داد و چند روز بعد به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی رفت؛ مسئولیتی که تا پایان دولت روحانی در شهریور ۱۴۰۰ برعهده داشت.

موج خبر

وزارت نفت: مردم نگران تأمین بنزین نباشند

سرپرست وزارت نفت با اشاره به افزایش تولید بنزین در کشور نسبت به سال‌های گذشته اظهار کرد: در شرایط بسیار سخت، تولید بنزین به سطح مناسبی رسیده و حداکثر تلاش برای تأمین نیاز کشور انجام شده است. حمید بورد با بیان اینکه طرح‌های جدید مدیریت مصرف سوخت با هدف صرفه‌جویی و جلوگیری از قاچاق اجرا می‌شوند، افزود: بخشی از سهمیه کارت‌های جایگاه با اجرای این طرح‌ها به سهمیه کارت‌های شخصی اضافه می‌شود. او با تأکید بر آزمایشی بودن این طرح‌ها گفت: هرجا در اجرای طرح‌ها ایراد یا مشکلی وجود داشته باشد، بازخورد مردم دریافت می‌شود و اصلاحات لازم به‌تدریج انجام خواهد شد.

افزایش ۱۶۰ درصدی ورودی آب به سدها

براساس آخرین آمار شرکت مدیریت منابع آب ایران، میزان ورودی آب به مخازن سدهای کشور از ابتدای سال آبی جاری (ابتدای مهرماه) تا ۲۴ آبان‌ماه به ۳.۸۶ میلیارد مترمکعب رسیده است. این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۱.۴۹ میلیارد مترمکعب بود که از افزایش ۱۶۰ درصدی ورودی آب به سدهای کشور حکایت دارد. همچنین خروجی آب از سدهای کشور نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۱ درصد افزایش یافته است. حجم آب موجود در مخازن سدها نیز به ۲۳.۶۵ میلیارد مترمکعب رسیده که در مقایسه با ۱۷.۰۶ میلیارد مترمکعب در سال گذشته، افزایش ۳۹ درصدی را نشان می‌دهد. با این حال، میزان پرشدگی سدهای کشور تا ۲۴ آبان‌ماه ۴۵ درصد گزارش شده است. بررسی آمار بارندگی نیز نشان می‌دهد میزان بارش تجمعی کشور از ابتدای سال آبی جاری تا ۲۳ آبان‌ماه به ۳۱.۷ میلی‌متر رسیده است؛ رقمی که در مقایسه با متوسط بلندمدت ۲۳.۱ میلی‌متری، افزایش ۳۷ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین میزان بارندگی در مدت مشابه سال گذشته تنها ۳.۴ میلی‌متر بوده است.

توزیع بارش‌ها در استان‌های مختلف یکسان نبوده است. خراسان جنوبی، یزد، گیلان، خراسان رضوی، مازندران و سیستان و بلوچستان از جمله استان‌هایی هستند که با کاهش بارش نسبت به متوسط بلندمدت مواجه شده‌اند. در مقابل، میزان بارندگی در استان‌های تهران، البرز، خوزستان، قم، مرکزی، چهارمحال‌وبختیاری، بوشهر و هرمزگان بیش از دو برابر متوسط بلندمدت بوده است. افزایش ورودی آب به سدها و رشد ذخایر مخازن نسبت به سال گذشته از بهبود نسبی وضعیت منابع آبی کشور حکایت دارد؛ با این حال، پایین بودن ذخایر برخی سدهای مهم و کاهش بارندگی در تعدادی از استان‌ها نشان می‌دهد این بهبود هنوز به همه مناطق کشور تسری پیدا نکرده است.

«نوبنیاد» گزارش وزیر اقتصاد درباره کنترل رشد قیمت‌ها را واکاوی می‌کند

ژست قهرمان با تورم ۸۹ درصدی!

وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت چهاردهم در حالی از مهار تورم ماهانه و کنترل رشد قیمت‌ها طی چهار ماه گذشته سخن می‌گوید که بررسی آمارهای رسمی نشان می‌دهد نرخ تورم ماهانه در مهرماه امسال به ۴.۴ درصد رسیده است؛ رقمی که تقریباً ۲.۶ برابر نرخ تورم ماهانه در زمان آغاز به کار دولت چهاردهم است. به این ترتیب، در شرایطی که هزینه تأمین نیازهای اولیه خانوارها به‌شدت افزایش یافته و فشار معیشتی بر مردم همچنان ادامه دارد، روایت دولتمردان از کنترل تورم با پرسش‌های جدی درباره مبنای آماری و نحوه ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت مواجه است.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

سید علی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در حالی از مهار تورم ماهانه طی چهار ماه گذشته و فاصله گرفتن اقتصاد از شرایط تورمی بسیار شدید سخن می‌گوید که بررسی آمارهای رسمی، تصویر متفاوتی از وضعیت اقتصاد کشور ارائه می‌دهد. وی با اشاره به شرایط اقتصادی سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ مدعی شده است که دولت با اجرای برنامه‌هایی برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی، مانع از تحقق پیش‌بینی‌های بدبینانه کارشناسان درباره وقوع ابرتورم شده و در ماه‌های اخیر توانسته است رشد ماهانه قیمت‌ها را کنترل کند. با این حال، مقایسه شاخص‌های تورمی با دوره آغاز به کار دولت چهاردهم نشان می‌دهد نرخ تورم ماهانه که در شهریورماه ۱۴۰۳ حدود ۱.۷ درصد بود، در مهرماه ۱۴۰۵ به ۴.۴ درصد رسیده است؛ به بیان دیگر، نه‌تنها نرخ افزایش ماهانه قیمت‌ها نصف نشده، بلکه در مقایسه با زمان آغاز به کار دولت، ۲.۶ برابر شده است. این در حالی است که تورم نقطه‌به‌نقطه نیز به ۸۸.۷ درصد رسیده و فشار فزاینده هزینه‌های زندگی همچنان بخش بزرگی از خانوارها را تحت تأثیر قرار داده است. به نظر می‌رسد برای ارزیابی ادعای مهار تورم، باید به جای تمرکز بر یک بازه زمانی محدود و مقایسه آن با سناریوهای بدبینانه، عملکرد اقتصادی دولت پزشکیان را با شاخص‌های واقعی و نقطه آغاز مسئولیت‌پذیری آن سنجید.

تورم در نقطه آغاز دولت کمتر از نصف امروز بود

نخستین مسئله در اظهارات مدنی‌زاده، نحوه ارزیابی عملکرد دولت در مهار تورم است. مدنی‌زاده از کنترل رشد ماهانه قیمت‌ها در چهار ماه گذشته سخن می‌گوید، اما برای سنجش عملکرد اقتصادی دولت نمی‌توان صرفاً به یک بازه زمانی محدود بسنده کرد، بلکه باید روند شاخص‌های تورمی از زمان آغاز به کار دولت چهاردهم را برای ارزیابی درست و واقعی بررسی کرد. براساس آمارهای رسمی، نرخ تورم ماهانه در شهریورماه ۱۴۰۳، یعنی در آخرین ماه فعالیت دولت شهید رئیسی، با طی روندی نزولی به حدود ۱.۷ درصد رسیده بود؛ این در حالی است که این شاخص در مهرماه ۱۴۰۵ به ۴.۴ درصد رسیده است. به این ترتیب، نرخ افزایش ماهانه قیمت‌ها نسبت به نقطه آغاز دولت، ۲.۶ برابر شده است. حتی اگر در مقاطعی از ماه‌های گذشته کاهش نسبی تورم ماهانه اتفاق افتاده باشد، این موضوع نمی‌تواند جایگزین مقایسه عملکرد دولت با شرایط اقتصادی زمان تحویل گرفتن مسئولیت شود. از سوی دیگر، حتی اگر بخواهیم عملکرد شخص مدنی‌زاده را نقد کنیم، او از خردادماه ۱۴۰۴ مسئولیت وزارت اقتصاد را برعهده گرفته است. بنابراین، ارزیابی عملکرد او نیز مستلزم مقایسه شاخص‌های اقتصادی در زمان آغاز مسئولیتش با آخرین وضعیت موجود است. تورم ماهانه خردادماه ۱۴۰۴ نیز ۳.۳ درصد بوده است؛ این مقایسه نشان می‌دهد که شاخص تورم ماهانه در دوره مسئولیت وزیر اقتصاد نیز به سطحی بالاتر از زمان آغاز فعالیت او رسیده است.

یکی دیگر از نکاتی که در اظهارات وزیر اقتصاد مورد توجه قرار نگرفته، تفاوت میان کاهش نرخ تورم و کاهش سطح عمومی قیمت‌هاست. تورم به معنای افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌هاست و زمانی که از کاهش تورم در شرایط کنونی سخن گفته می‌شود، باید دانست که صرفاً سرعت افزایش قیمت‌ها نسبت به دوره قبل کمتر شده است. بنابراین، حتی اگر ادعای وزیر اقتصاد درباره کاهش نسبی تورم ماهانه در برخی ماه‌ها را بپذیریم، این موضوع به‌تنهایی نمی‌تواند نشانه بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها باشد. آنچه برای مردم اهمیت دارد، نه صرفاً کاهش سرعت گرانی، بلکه توقف روند افزایش هزینه‌های زندگی و بازگشت قدرت خرید از دست‌رفته است؛ مسئله‌ای که همچنان فاصله قابل توجهی با شرایط مطلوب دارد.

مسئله دیگری که در روایت وزیر اقتصاد باید به آن توجه کرد، آثار انباشته افزایش قیمت‌ها در دو سال گذشته است. حتی اگر در یک مقطع زمانی از شدت رشد قیمت‌ها کاسته شود، آثار افزایش‌های قبلی همچنان در سبد هزینه خانوار باقی می‌ماند و تا زمانی که درآمد مردم متناسب با این افزایش‌ها رشد نکند، فشار معیشتی کاهش نخواهد یافت. وقتی تورم نقطه‌به‌نقطه در مهرماه سال جاری به ۸۸.۷ درصد می‌رسد، به این معناست که هزینه تهیه سبد مشابهی از کالاها و خدمات در مقایسه با ماه مشابه سال گذشته، به‌طور متوسط ۸۸.۷ درصد افزایش یافته است. چنین سطحی از تورم به‌روشنی نشان می‌دهد که خانوارها با چه میزان افزایش هزینه برای تأمین نیازهای روزمره خود مواجه شده‌اند. در این میان، کالاهای اساسی و اقلام ضروری سهم مهمی در هزینه خانوارهای کم‌درآمد دارند و افزایش قیمت آنها مستقیماً بر کیفیت تغذیه و سطح رفاه خانوار اثر می‌گذارد. این کالاها در پی اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی در دی‌ماه سال گذشته با شوک بزرگی مواجه شدند؛ به‌گونه‌ای که برخی از اقلام مصرفی مردم تورم‌های بالای ۲۰۰ درصد را تجربه کردند و حتی تورم نقطه‌به‌نقطه اقلام خوراکی در آخرین آمار ارائه‌شده از سوی مرکز آمار به ۱۱۳.۴ درصد رسیده بود.

ادعای جلوگیری از ابرتورم

وزیر اقتصاد در بخش دیگری از اظهارات خود، با اشاره به هشدار برخی کارشناسان درباره احتمال وقوع ابرتورم، تأکید کرده است که دولت توانسته مانع تحقق این سناریو شود. بدون تردید، جلوگیری از تشدید بحران‌های اقتصادی و حفظ ثبات نسبی در شرایط دشوار، از وظایف مهم سیاست‌گذار اقتصادی است؛ اما مسئله اینجاست که آیا صرف جلوگیری از وقوع یک سناریوی بسیار بدبینانه می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای موفقیت سیاست‌های اقتصادی دولت معرفی شود؟ در ارزیابی عملکرد اقتصادی، نباید معیار سنجش را صرفاً وقوع یا عدم وقوع بدترین سناریوی ممکن قرار داد. دولت باید در قبال شاخص‌های واقعی اقتصاد، از جمله نرخ تورم، قدرت خرید خانوارها، وضعیت اشتغال، رشد تولید و هزینه تأمین کالاهای اساسی پاسخگو باشد. به بیان دیگر، اینکه اقتصاد به مرحله ابرتورم نرسیده، به‌خودی‌خود به معنای موفقیت در مهار تورم یا بهبود شرایط اقتصادی نیست. بخش مهمی از این فشار تورمی نیز از مسیر افزایش هزینه تولید و واردات کالاهای اساسی و انتقال آن به قیمت مصرف‌کننده ایجاد شده است. اتفاقاً تیم اقتصادی دولت باید در قبال تحمیل فشار جدی به کشور از طریق اتخاذ سیاست ارزی در دی‌ماه سال گذشته پاسخگو باشد. نمی‌شود پس از ثبت سنگین‌ترین تورم سالانه کشور بعد از جنگ جهانی دوم، با ادعای جلوگیری از ابرتورم ژست قهرمان و ناجی گرفت.

در نهایت، آنچه باید مبنای ارزیابی سیاست‌های اقتصادی دولت قرار گیرد، تغییر واقعی شرایط زندگی مردم است، نه صرفاً تعابیر و توصیفاتی که امثال مدنی‌زاده از وضعیت اقتصاد ارائه می‌کنند. برای خانواری که هر ماه با افزایش هزینه اجاره مسکن، مواد غذایی، حمل‌ونقل و درمان مواجه است، اینکه تورم از سطحی بالاتر که به دلیل سیاست‌های اتخاذشده از سوی خود دولت به وجود آمده بود به سطحی پایین‌تر رسیده باشد، زمانی اهمیت پیدا می‌کند که این تغییر در قدرت خرید و توان تأمین نیازهای ضروری زندگی نیز قابل مشاهده باشد. در چنین وضعیتی، اعلام مهار تورم بدون ارائه مقایسه‌ای جامع از شاخص‌های اقتصادی گذشته و حال و بدون توجه به آثار انباشته گرانی بر زندگی مردم، نمی‌تواند پاسخگوی مطالبات معیشتی جامعه باشد. مردم برای ارزیابی عملکرد دولت به گزارش‌های آماری محدود نیستند؛ آنها هرروز نتیجه سیاست‌های اقتصادی را در هزینه‌های زندگی خود لمس می‌کنند. بنابراین، معیار نهایی موفقیت در مهار تورم باید کاهش واقعی فشار هزینه‌ها و بهبود قدرت خرید خانوارها باشد، نه صرفاً ارائه روایتی امیدوارکننده از روند چندماهه شاخص‌های اقتصادی.

نوبنیاد گزارش رئیس بانک مرکزی در مجلس را بررسی کرد؛

همتی باز هم جنگ را علت مشکلات اعلام کرد!

رئیس کل بانک مرکزی در گزارش خود به مجلس مشکلات اقتصادی را به پیامدهای جنگ و تحریم نسبت داد اما مقایسه آمارها از ابتدای آغاز به‌کار دولت چهاردهم تا بهمن ۱۴۰۴ نشان می‌دهد اقتصاد کشور پیش از آغاز جنگ رمضان نیز با جهش کم‌سابقه تورم و افزایش شدید نرخ ارز روبه‌رو بوده است. دولت چهاردهم در حالی علت تورم را به جنگ و تحریم را مطرح می‌کند که افزایش نرخ ارز، تغییر سیاست‌های ارزی و رشد هزینه تأمین مواد اولیه، فشار سنگینی بر تولیدکنندگان و خانوارها طی دو سال گذشته وارد کرده است.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

جلسه علنی دیروز مجلس با بررسی گزارش عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی برگزار شد. علی نیکزاد ثمرین، نایب‌رئیس مجلس، در ابتدای جلسه با اشاره به تکلیف قانونی رئیس کل بانک مرکزی برای ارائه گزارش عملکرد، گفت: بر اساس بند الف ماده ۵۳ قانون بانک مرکزی، رئیس کل موظف است در اردیبهشت و آبان هر سال، گزارش عملکرد و برنامه‌های بانک مرکزی مشتمل بر سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری، نظارت بانکی، تحولات اقتصادی، دلایل انحراف احتمالی نرخ تورم و سایر متغیرهای هدف از پیش‌بینی‌های ارائه‌شده در گزارش قبلی، عملکرد بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور در حمایت از تولید، اشتغال و رشد اقتصادی و وضعیت سلامت و ثبات نظام بانکی را به مجلس بدهد.

همتی در جلسه مجلس جنگ و تحریم در کنار جنگ اقتصادی را از عوامل اصلی فشار بر اقتصاد کشور معرفی کرد و گفت: جنگ اقتصادی، جنگی کم‌سروصداست که در نرخ ارز و تورم، فشار بر صادرات، دشوارتر شدن دسترسی به منابع مالی و افزایش مشکلات معیشتی مردم و تولیدکنندگان خود را نشان می‌دهد. او افزود: بانک مرکزی مسئولیت خود را تأمین نیازهای کشور، تقویت ارزش پول ملی و مدیریت نوسانات اقتصادی می‌داند. دشواری‌ها را می‌شناسیم و برای عبور از آنها تلاش می‌کنیم و با پشتیبانی اقتصادی از کشور، بر مشکلات اقتصادی غلبه خواهیم کرد. رئیس کل بانک مرکزی دولت پزشکیان ادامه داد: از ابتدای سال ۱۴۰۴، رشد نقدینگی وارد محدوده ۳۰ درصد شد و روند افزایشی خود را ادامه داد، به‌گونه‌ای که حدود ۵ ماه پیش به ۵۶.۴ درصد رسید، اما بانک مرکزی با اقدامات و ابزارهایی که در اختیار داشت، موفق شد با وجود تشدید فشارها بر درآمدهای ارزی، درآمدهای تجاری و بودجه کشور، روند رشد نقدینگی را مدیریت کند. اقدامات بانک مرکزی موجب شد رشد نقدینگی در ماه گذشته وارد روند کاهشی شود. همتی گفت: پس از جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه، به دلیل افزایش شتاب پایه پولی، رشد این متغیر با سرعت بیشتری همراه شد، اما با اقدامات صورت‌گرفته، روند آن در ماه گذشته تعدیل شد. رشد پایه پولی در مهرماه به حدود ۸۰ درصد رسیده که پس از تعدیل، به حدود ۶۵ درصد کاهش یافت. او در بخش دیگری از سخنانش، حذف ارز ترجیحی را نیز از عوامل افزایش قیمت‌ها عنوان و تصریح کرد: بخشی از این افزایش به دلیل حذف ارز ترجیحی بود که به‌طور طبیعی بر قیمت‌ها اثر گذاشت و بخش دیگر نیز ناشی از پیامدهای جنگ ۴۰ روزه و مشکلات ایجادشده برای برخی کارخانه‌ها و بخش عرضه اقتصاد بود.

افزایش ۳۶۰ درصدی نرخ ارز در دولت پزشکیان

هر چند جنگ و تحریم در مشکلات اقتصادی و تورم اثر داشته است اما بررسی آمارها نشان می‌دهد تصمیمات دولت چهاردهم در جهش نرخ رشد تورم و نرخ ارز سهم قابل توجهی دارد. در مرداد ۱۴۰۳، هم‌زمان با آغاز به کار دولت، نرخ تورم سالانه ۳۴.۸ درصد، تورم نقطه به نقطه ۳۱.۶ درصد و تورم ماهانه ۲ درصد بود؛ اما در بهمن ۱۴۰۴ این شاخص‌ها به‌ترتیب به ۴۷.۵، ۶۸.۱ و ۹.۴ درصد رسیدند. در همین بازه، قیمت دلار در بازار آزاد از حدود ۵۸ هزار تومان در پایان مرداد ۱۴۰۳ به ۱۶۲ هزار تومان در پایان بهمن ۱۴۰۴ رسید؛ یعنی حدود ۱۷۸ درصد افزایش یافت. این ارقام نشان می‌دهد بخش مهمی از جهش تورم و کاهش ارزش پول ملی پیش از جنگ اتفاق افتاده و نمی‌توان همه فشارهای اقتصادی و معیشتی را به پیامدهای جنگ و تحریم نسبت داد.

با این حال نرخ تورم سالانه و نقطه به نقطه در مهر امسال به‌ترتیب به ۷۶.۸ و ۸۸.۷ درصد رسید. به بیان دیگر، تورم سالانه در طی دو سال دولت چهاردهم ۴۲ واحد درصد و تورم نقطه‌ای ۵۷.۱ واحد درصد افزایش یافته است. تورم ماهانه نیز از ۲ درصد در مرداد ۱۴۰۳ به ۴.۴ درصد در مهر امسال رسیده است. نرخ دلار در بازار آزاد نیز دیروز در محدوده ۲۶۹ هزار تومان قرار داشت که نشان می‌دهد قیمت آن در دولت چهاردهم ۳۶۰ درصد افزایش یافته است. جنگ و تحریم بدون تردید بر درآمدهای ارزی، تجارت و انتظارات تورمی اثر می‌گذارند، اما این عوامل نمی‌توانند مسئولیت سیاست‌گذار پولی و ارزی را در قبال افزایش نرخ ارز، رشد نقدینگی و کاهش قدرت خرید مردم منتفی کنند. انتظار از همتی این است که علاوه بر تشریح فشارهای خارجی، سهم تصمیمات داخلی را نیز به‌روشنی توضیح دهد. با این حال نمایندگان به عملکرد دولت چهاردهم و همتی انتقاد جدی داشتند.

آقای همتی؛ چرا روسیه تورم ندارد؟

صدیف بدری، عضو کمیسیون عمران مجلس، در جلسه دیروز و خطاب به همتی گفت: آمار و ارقامی که از سوی بانک مرکزی ارائه می‌شود، با آنچه مردم در کف جامعه تجربه می‌کنند، همخوانی ندارد و واقعیت بازار نیز این آمارها را تأیید نمی‌کند. او با اشاره به شرایط جنگی و ضرورت برنامه‌ریزی اقتصادی گفت: مشکل اصلی، نبود برنامه‌ریزی و تشکیل اتاق جنگ اقتصادی است؛ چراکه دولت، مسئولان و بانک مرکزی متناسب با شرایط کشور آرایش جنگ اقتصادی نداشتند و همچنان با روال عادی به مسائل اقتصادی می‌پرداختند. بیت‌الله عبداللهی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، نیز بیان کرد: شرایط جنگ و تحریم را می‌پذیریم، اما وضعیت کنونی اقتصاد کشور چیزی نیست که مردم از مسئولان بپذیرند. او افزود: تورم در کشور از ماهانه و سالانه به تورم روزانه تبدیل شده است، با وجود شرایط جنگی، در هیچ‌یک از بخش‌های کشور آرایش جنگی ندارند؛ در حالی که دستگاه‌های مختلف از جمله قوای سه‌گانه باید متناسب با شرایط موجود آرایش جنگی داشته باشند. سید شمس‌الدین حسینی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، با انتقاد از وضعیت سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی گفت: گزارش ارائه‌شده حاوی نکات تلخی است؛ سرمایه‌گذاری منفی شده و این وضعیت هم در بخش ماشین‌آلات و هم در بخش ساختمان مشاهده می‌شود. رشد اقتصادی نیز که پیش از این بسیار ضعیف بود، اکنون به‌شدت منفی شده است. او ادامه داد: دهه گذشته، دهه گرفتار شدن اقتصاد ایران در تله رشد پایین بود و اگر تدبیر درستی صورت نگیرد، دهه پیش‌رو می‌تواند به دهه تله رشد منفی در اقتصاد ایران تبدیل شود؛ موضوعی که کمتر به آن توجه می‌شود. علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، نیز گفت: اظهار نظرهای بعضی از مسئولین درخصوص سیاست‌های پولی و مالی کشور متأسفانه مردم را درگیر چند راهی زندگی و معیشت عمومی کرده است؛ بعضی از مسئولان انگار در ایران زندگی نمی‌کنند؛ مگر روسیه مانند ما درگیر جنگ نیست؛ چرا تورم ندارد و مردمش در آسیب نیستند. ما چرا هوای مردم خودمان را به‌طور جدی نداریم؟

اظهارات نمایندگان نشان می‌دهد که مجلس، علاوه بر آثار جنگ و تحریم، خواهان پاسخ‌گویی بانک مرکزی درباره سیاست‌های ارزی، رشد پایه پولی، ناترازی بانک‌ها و کاهش قدرت خرید مردم است. همتی که در گذشته با استناد به رشد نقدینگی و نرخ ارز عملکرد دولت سیزدهم را نقد می‌کرد، اکنون باید با همان معیارها درباره عملکرد دوره مسئولیت خود توضیح دهد. بیان مشکلات و محدودیت‌های خارجی لازم است، اما جای پاسخگویی درباره نتایج سیاست‌های داخلی را نمی‌گیرد.

نبض اقتصاد

تراستی‌ها چقدر ارز به کشور بدهکارند؟

تازه‌ترین اظهارات سخنگوی قوه قضاییه نشان می‌دهد تعداد پرونده‌های مرتبط با تراستی‌ها به ۷۳ مورد رسیده است، اما هنوز تصویر روشنی از مجموع منابع ارزی بازنگشته و میزان مطالبات وصول‌شده در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته است. سید علی کاظمی، سخنگوی قوه قضاییه، دیروز از رسیدگی به ۷۳ پرونده مرتبط با تراستی‌ها و پیگیری هزاران پرونده مرتبط با رفع تعهدات ارزی صادراتی و وارداتی خبر داد و اعلام کرد: برخی از این پرونده‌ها با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شده‌اند و رسیدگی به برخی دیگر همچنان در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارد. اهمیت این اظهارات زمانی بیشتر می‌شود که آمار جدید را در کنار گزارش‌های قبلی دستگاه قضایی قرار دهیم. سخنگوی قوه قضاییه ۲۸ مهرماه اعلام کرده بود که ۷۱ پرونده درباره تراستی‌ها تشکیل شده و ۲۳ پرونده به دادگاه راه یافته است. در همان مقطع، ۱۵۰ شخص حقیقی و ۲۵ شخص حقوقی نیز در ارتباط با این پرونده‌ها تحت تعقیب قرار داشتند. حالا با افزایش تعداد پرونده‌ها به ۷۳ مورد، روشن است که رسیدگی قضایی به عملکرد این واسطه‌های مالی همچنان ادامه دارد. اما آنچه پرونده تراستی‌ها را از یک موضوع صرفاً قضایی فراتر برده، ارتباط مستقیم آن با منابع ارزی کشور است. تراستی‌ها در سال‌های گذشته و به‌ویژه در شرایط تشدید محدودیت‌های بانکی و تحریم‌های بین‌المللی، نقش مهمی در انتقال پول حاصل از صادرات نفت و سایر مبادلات خارجی بر عهده گرفته‌اند. در شرایطی که استفاده از مسیرهای متعارف بانکی با دشواری همراه بوده، بخشی از نقل‌وانتقالات مالی کشور از طریق این واسطه‌ها انجام شده است. با این حال، اتکای گسترده به چنین سازوکاری، مسئله نظارت بر گردش پول و تضمین بازگشت منابع را به یکی از حساس‌ترین موضوعات مدیریت ارزی تبدیل کرده است.

البته تشکیل پرونده قضایی برای تعدادی از تراستی‌ها به معنای تخلف تمام فعالان این حوزه نیست. سخنگوی قوه قضاییه پیش‌تر اعلام کرده بود که تنها حدود دو تا سه درصد از فعالان این بخش رفتارهای نادرست داشته‌اند. با وجود این، حتی تخلف بخش محدودی از واسطه‌های مالی نیز زمانی که پای درآمدهای کلان ارزی در میان باشد، می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. در هفته‌های اخیر، موضوع بازگشت پول نفت از طریق تراستی‌ها در مجلس نیز با حساسیت بیشتری دنبال شده است. برخی نمایندگان نسبت به باقی‌ماندن منابع ارزی در اختیار واسطه‌ها هشدار داده و خواستار شفاف‌سازی درباره هویت تراستی‌ها، میزان بدهی آنها و دستگاه‌های مسئول نظارت بر عملکردشان شده‌اند. در مقابل، اظهاراتی نیز درباره بازگشت بخش عمده‌ای از درآمدهای نفتی مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین ابهامات موجود، فاصله میان تعداد پرونده‌های تشکیل‌شده و ارزش مالی منابعی است که موضوع این پرونده‌ها قرار گرفته‌اند. افزایش تعداد پرونده‌ها به‌تنهایی نمی‌تواند نشان دهد چه میزان ارز در خارج از کشور باقی مانده یا چه مقدار از مطالبات دولت قابل وصول است. برای ارزیابی دقیق‌تر عملکرد دستگاه‌های مسئول، لازم است ارزش مالی پرونده‌ها، میزان منابع بازگردانده‌شده و وضعیت مطالبات باقی‌مانده نیز مشخص شود. از سوی دیگر، مسئله مسئولیت دستگاه‌های اجرایی در این پرونده‌ها همچنان اهمیت دارد.

اکنون با رسیدن تعداد پرونده‌های تراستی‌ها به ۷۳ مورد، انتظار برای انتشار جزئیات مالی این پرونده‌ها بیشتر شده است. افکار عمومی علاوه بر اطلاع از روند رسیدگی قضایی، نیاز دارد بداند چه میزان از درآمدهای ارزی کشور در اختیار واسطه‌ها باقی مانده، چه مقدار از این منابع وصول شده و چه تضمین‌هایی برای بازگشت مطالبات وجود دارد. پرونده تراستی‌ها در نهایت تنها به برخورد با تخلفات احتمالی محدود نمی‌شود. مسئله اصلی، سرنوشت منابع ارزی و کارآمدی سازوکاری است که برای عبور از محدودیت‌های تحریمی شکل گرفته است. تا زمانی که میزان دقیق مطالبات و نتایج مالی رسیدگی‌ها روشن نشود، حتی افزایش تعداد پرونده‌های قضایی نیز نمی‌تواند به پرسش اصلی درباره سرنوشت پول‌های نفتی پاسخ دهد.

مهم‌ترین عوامل تورم کنونی در کشور، نرخ ارز است

محسن زنگنه، رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید هم با تأکید بر ضرورت توجه به نقش سیاست‌های ارزی در تورم گفت: بر اساس گزارش ارائه‌شده، پایه پولی در یک سال گذشته ۱۸۵ درصد افزایش داشته و خالص دارایی‌های خارجی نیز ۳۱ درصد رشد کرده است. امروز یکی از مهم‌ترین عوامل تورم در کشور، نرخ ارز است، اما در مباحث مطرح‌شده تقریباً از معادلات اقتصادی حذف شده است. خانواده‌ها و تولیدکنندگان با نرخ ارز آزاد فعالیت و هزینه‌های خود را محاسبه می‌کنند. دولت و بانک مرکزی باید واقعیت بازار ارز را بپذیرند. نمی‌توان نرخ ارز آزاد را نادیده گرفت؛ چراکه مردم در زندگی روزمره خود با همین نرخ مواجه هستند.

اختلال همزمان در شبکه بانکی، سامانه‌های هوانوردی و غول‌های فناوری آمریکا

ترامپ در شوک اختلالات زیرساختی

آمریکا در چند روز گذشته با زنجیره‌ای از اختلالات در بانکداری، خدمات دیجیتال و هوانوردی روبه‌رو شده است؛ از توقف سراسری پروازها تا اختلال در حساب‌های مشتریان بزرگ‌ترین بانک این کشور. هم‌زمان، نقص گسترده سامانه‌های مایکروسافت و نرم‌افزارهای اداری، پرسش‌های تازه‌ای درباره تاب‌آوری زیرساخت‌های ایالات متحده ایجاد کرده است. مجریان تلویزیونی از دولت توضیح می‌خواهند و نمایندگان کنگره بر سر بودجه نوسازی شبکه‌های فرسوده جدال دارند. کاخ سفید از نبود بحران قریب‌الوقوع سخن می‌گوید، اما تکرار خرابی‌ها، فاصله میان ادعای اقتدار فناورانه و مشکلات عملی را دوباره نمایان ساخته است.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

زنجیره اختلالات زیرساختی آمریکا طی هفته گذشته، بخش‌های مهمی از اقتصاد و خدمات عمومی این کشور را تحت تأثیر قرار داد. اختلالاتی که وابستگی شدید شبکه‌های حیاتی آمریکا به سامانه‌های دیجیتال و تجهیزات فرسوده را بار دیگر آشکار کرده است.

مهم‌ترین حادثه، جمعه سیزدهم نوامبر در شبکه کنترل ترافیک هوایی آمریکا رخ داد. سازمان هوانوردی فدرال (FAA) پس از بروز اختلال گسترده در سامانه‌های ارتباطی و راداری، دستور توقف موقت پروازهای خروجی در سراسر کشور را صادر کرد.

براساس آمار رسمی، ۱۷ مرکز از مجموع ۲۲ مرکز اصلی کنترل ترافیک هوایی آمریکا دچار ناپایداری شدند. در همان روز حدود ۱۲ هزار و ۴۶۲ پرواز لغو شد که ۹ هزار و ۸۲ مورد مربوط به شرکت‌های هواپیمایی بزرگ بود.

در کشوری که پیشرفته‌ترین جنگنده‌ها و سامانه‌های نظامی جهان را تولید می‌کند، اختلال در یک شبکه ارتباطی توانست بخش بزرگی از حمل‌ونقل هوایی غیرنظامی را مختل کند؛ تناقضی که اکنون به موضوع انتقادهای داخلی تبدیل شده است.

تنها سه روز بعد از آن، نوبت به شبکه بانکی رسید. هزاران مشتری بانک جی پی مورگان چیس، بزرگ‌ترین بانک آمریکا، از مشکلات دسترسی به حساب‌ها و تأخیر در انتقال وجوه خبر دادند.

هم‌زمان، گزارش‌هایی از اختلال در تراکنش‌های مرتبط با بانک آو آمریکا، ولز فارگو، یو.اس بانک، تروئیست و شبکه پرداخت زل منتشر شد.

در اوج اختلال، نزدیک به پنج هزار گزارش مشکل درباره خدمات چیس در سامانه داون‌دیتکتور ثبت شد. برخی مشتریان قادر به مشاهده اطلاعات حساب یا انجام عادی تراکنش‌ها نبودند. بانک چیس در واکنش اعلام کرد مشکل ناشی از یک خطای نرم‌افزاری در تجهیزات داخلی بوده و شواهدی از حمله سایبری وجود ندارد.

این بانک همچنین تأیید کرد که تأخیر در پردازش تراکنش‌هایش می‌توانسته بر عملیات سایر مؤسسات مالی نیز اثر بگذارد.

اهمیت حادثه در همین وابستگی متقابل است که اختلال در سامانه یک بانک بزرگ، حتی بدون ازکارافتادن مستقل بانک‌های دیگر، می‌تواند معاملات میان مؤسسات مالی را با مشکل مواجه کند.

غول‌های فناوری هم زمین‌گیر شدند

پیش از بحران هوانوردی و بانکی نیز خدمات مایکروسافت در سطح جهانی با اختلال گسترده مواجه شده بود. سرویس‌هایی مانند اوت‌لوک، تیمز و دستیار هوش مصنوعی کوپایلت برای شماری از کاربران از دسترس خارج شدند.

مایکروسافت در گزارش اولیه خود، وجود یک خطای نرم‌افزاری قدیمی، افزایش ترافیک پس از تغییر مسیر خدمات و کاهش ظرفیت سرورها را از دلایل حادثه معرفی کرد. اختلال حدود ۲۴ ساعت ادامه داشت و به ادعای شرکت، پس از اقدامات اصلاحی برطرف شد. روز بعد نیز سامانه Workday که برای مدیریت منابع انسانی، حقوق و دستمزد و امور کارکنان استفاده می‌شود، دچار مشکل شد. تعدادی از کارکنان شرکت‌های مشتری امکان ورود به حساب‌های کاری یا انجام امور اداری را از دست دادند.

شرکت Workday ضمن عذرخواهی اعلام کرد مشکل هنگام آزمایش سامانه‌های پشتیبان به وجود آمده است.

فاکس‌نیوز به کاخ سفید: واقعا همه چیز تحت کنترل است؟!

تکرار اختلالات در فاصله چند روز، واکنش رسانه‌های آمریکایی را به دنبال داشته است.

جسی واترز، مجری شبکه فاکس‌نیوز، پس از مرور اختلالات بانکی، توقف پروازها و مشکلات مایکروسافت، اطمینان‌بخشی دولت را زیر سؤال برد.

او پرسید چگونه ممکن است این تعداد مشکل فنی در فاصله‌ای کوتاه رخ دهد و درعین‌حال دولت همچنان تأکید کند که جای نگرانی وجود ندارد.

واترز همچنین گزارش‌های امنیتی درباره تهدیدهای منتسب به ایران را در کنار این اختلالات قرار داد و فضای موجود را نگران‌کننده توصیف کرد.

ونس: نگران نباشید؛ کنگره: پاسخ روشن می‌خواهیم!

در واکنش به گسترش نگرانی‌ها، جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز تأکید کرد که دولت نشانه‌ای از وقوع بحران قریب‌الوقوع مشاهده نمی‌کند.

او درباره گزارش آماده‌سازی پایگاه‌های نظامی برای فعالیت مستقل از شبکه برق به مدت ۹۰ روز نیز گفت این اقدامات بخشی از برنامه‌ریزی معمول و مسئولانه دولت برای شرایط اضطراری است.

اما در کنگره، اختلاف بر سر وضعیت زیرساخت‌ها بالا گرفته است. پس از اختلال سراسری هوانوردی، دولت ترامپ درخواست بودجه نوسازی سامانه‌های کنترل ترافیک هوایی را از حدود ۳۰ میلیارد دلار به ۵۰ میلیارد دلار افزایش داد.

مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان، اذعان کرد که بخشی از تجهیزات مورد استفاده به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد و نیازمند نوسازی است. در مقابل، نمایندگان دموکرات پرسیده‌اند چرا دولت درخواست بودجه تازه دارد، درحالی‌که میلیاردها دلار از اعتبارات قبلی همچنان هزینه نشده است.

شان دافی، وزیر حمل‌ونقل آمریکا، نیز در توضیح مشکلات گفت برای برخی تجهیزات مانند رادار و بی‌سیم اعتبار دارد، اما برای ایجاد شبکه ارتباطی جدید با کمبود منابع مواجه است. این اختلافات زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که دفتر پاسخگویی دولت آمریکا پیش‌تر هشدار داده بود شتاب در اجرای برنامه نوسازی، بدون برنامه‌ریزی کافی، می‌تواند زمینه اختلالات جدید و حتی مخاطرات ایمنی را فراهم کند.

دولتی که بودجه‌های عظیم نظامی در اختیار دارد و در عرصه بین‌المللی از برتری فناورانه خود سخن می‌گوید، اکنون باید توضیح دهد چرا نوسازی زیرساخت‌های حیاتی‌اش همچنان با کمبود اعتبار، تجهیزات قدیمی و اختلافات سیاسی مواجه است. آنچه طی چند روز گذشته در آمریکا رخ داد، بیش از هر چیز شکاف میان قدرت فناورانه روی کاغذ و توان حفظ پایداری خدمات در عمل را آشکار کرد. شکافی که نه با اطمینان‌بخشی تلویزیونی و نه با متهم‌کردن دشمنان خارجی از میان خواهد رفت.

دعوای ۵۰ میلیارد دلاری در کنگره

در کنگره، اختلاف بر سر وضعیت زیرساخت‌ها بالا گرفته است. پس از اختلال سراسری هوانوردی، دولت ترامپ درخواست بودجه نوسازی سامانه‌های کنترل ترافیک هوایی را از حدود ۳۰ میلیارد دلار به ۵۰ میلیارد دلار افزایش داد. در مقابل، نمایندگان دموکرات پرسیده‌اند چرا دولت درخواست بودجه تازه دارد، درحالی‌که میلیاردها دلار از اعتبارات قبلی همچنان هزینه نشده است.

یادداشت

اروپای بحران‌زده همچنان در مدار واشنگتن

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

فرانسه که همچنان با بحران اقتصادی، اعتراضات اجتماعی و کاهش قدرت اثرگذاری در معادلات بین‌المللی دست‌وپنجه نرم می‌کند، این بار در قامت مدعی تنبیه ایران ظاهر شده است. پاریس با نسبت‌دادن حملات سایبری به سامانه‌های سرمایشی فروشگاه‌های خود به تهران، خواستار تحریم‌های تازه اتحادیه اروپا شده است. این تحرک تازه، پرسش‌هایی درباره استقلال سیاست خارجی اروپا و میزان همسویی آن با واشنگتن ایجاد می‌کند. اروپایی که در پرونده ایران خواهان افزایش فشار است، اما در مذاکرات مربوط به امنیت خودش نیز برای کسب جایگاه تلاش می‌کند.

ژان‌نوئل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه، در بروکسل از تلاش پاریس برای اعمال تحریم‌های تازه علیه ایران خبر داد و اعلام کرد انتظار دارد کشورهای عضو اتحادیه اروپا تا نشست ماه دسامبر بر سر این محدودیت‌ها توافق کنند.

ماجرا به حملات سایبری شب‌های ۱۱ و ۱۲ اکتبر بازمی‌گردد. زمانی که سامانه‌های کنترل سرمایشی حدود ۷۰۰ مرکز فروش مواد غذایی در فرانسه دچار اختلال شدند. افزایش غیرعادی دمای یخچال‌ها به فساد گسترده مواد غذایی و وقوع حدود ۲۰ آتش‌سوزی منجر شد.

دولت فرانسه، یک واحد سایبری وابسته به سپاه پاسداران را مسئول این حمله معرفی کرده و دادستانی پاریس نیز از صدور حکم جلب بین‌المللی برای سه مظنون خبر داده است. در مقابل، وزارت امور خارجه ایران دهم نوامبر اتهامات پاریس را بی‌اساس و یک جانبه خواند و هرگونه دخالت تهران را رد کرد.

پاریس مدعی برخورداری از مستندات فنی است. بنابراین انتظار می‌رود این مستندات در چارچوبی شفاف و قابل بررسی ارائه شوند.

موضع تند فرانسه علیه تهران در شرایطی مطرح می‌شود که جایگاه دیپلماتیک اروپا در پرونده‌های امنیتی با محدودیت‌های آشکار مواجه شده است. نمونه تازه آن، مذاکرات سه جانبه آمریکا، روسیه و اوکراین در ابوظبی بود. اگرچه نمایندگان اروپایی برای رایزنی با هیئت‌های آمریکایی و اوکراینی در محل حضور داشتند، روسیه حاضر نشد آنان را در مذاکرات اصلی مشارکت دهد. حتی کرملین اعلام کرد هنوز با حضور نمایندگان اروپا در دور آینده مذاکرات موافقت نکرده است.

پاریس در پرونده ایران بیش از آنکه ابتکار دیپلماتیک مستقلی ارائه کند، بر سیاست فشار مشترک با واشنگتن تکیه کرده است.

سیاستی که موفقیت آن در تأمین منافع بلندمدت اروپا محل تردید است. تشدید اتهام‌زنی و تهدید به تحریم نمی‌تواند بدون پاسخ دیپلماتیک بماند. جمهوری اسلامی ایران حق دارد از فرانسه ارائه مستندات قابل بررسی را مطالبه کند و در صورت تصویب اقدامات محدودکننده ناموجه، گزینه‌های متناسب حقوقی، سیاسی و اقتصادی را در چارچوب تعهدات بین‌المللی بررسی کند. احضار مقام‌های دیپلماتیک، اعتراض رسمی، پیگیری موضوع در مجامع بین‌المللی و بازنگری در برخی همکاری‌های دوجانبه می‌تواند از جمله ابزارهای مشروع پاسخگویی باشد.

فرانسه اگر به دنبال سیاست خارجی مستقل و مؤثر است، بیش از هر چیز باید میان منافع ملی خود و سیاست‌های فشار واشنگتن تمایز قائل شود. اروپایی که برای حضور در میز مذاکرات امنیتی خود با مشکل مواجه است، پیش از تهدید دیگران به تنبیه، باید درباره میزان استقلال تصمیماتش و هزینه‌های سیاست خارجی خود پاسخ دهد.

یادداشت

وفاق بر سر تهمت و توهین به انقلابی‌ها!

حسین ایرانی
روزنامه‌نگار

در ماه‌های اخیر شبکه سیاسی، اقتصادی و عوامل رسانه‌ای وابسته به حسن روحانی، محمد جواد ظریف کارزاری گسترده از تهمت، توهین و تخریب رسانه‌ای را علیه انقلابی ماندن نظام و نیروهای انقلابی به راه انداخته‌اند. در این میان، طیف وابسته به محمدباقر قالیباف نیز به رکن دیگری از این پروژه تبدیل شده و شانه به شانه کسانی حرکت می‌کند که تا دیروز خود قالیباف را با تعابیری نظیر «فاسد» و «گازانبری» می‌نواختند.

نکته معنادار آن است که توهین، به یکی از اصلی‌ترین ابزارهای مدعیان آزادی بیان، دموکراسی و لیبرالیسم تبدیل شده است؛ همان‌هایی که پایان دوره انقلابی‌گری را تبلیغ می‌کردند. حسن روحانی که در دوران ریاست جمهوری‌اش رکوردی تأسف‌بار در دیکتاتوری رسانه‌ای و حمله به منتقدان برجام و بستن دهان مخالفان به جا گذاشت، امروز نیز در منظومه سیاسی او همان منطق حذف و تخریب دنبال می‌شود.

این جریان با محاسبه‌ای غلط از شرایط کشور زمان را برای جولان دیدن مناسب دیده‌اند. مصداق روشن این رویکرد، اظهارات شهریاری، نماینده بجنورد و عضو کمیسیون امنیت ملی است که درباره سعید جلیلی، نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی، گفت: «نمی‌گویم جلیلی عامل موساد است، اما ممکن است ناخواسته حرکتی انجام شود که در نهایت به اهداف آنها منجر شود.» این عبارات به هیچ عنوان نقد سیاسی نیست بلکه مشخصا نسبت دادن حرکت در مسیر اهداف موساد به نماینده رهبر انقلاب است. پرسش افکار عمومی این است که چگونه فردی با چنین درک نازل سیاسی، بی‌سوادی علمی، بی‌عقیدگی و بدتر از آن ویژگی‌های شخصیتی بد، توانسته است به جایگاه‌هایی همچون دیپلمات ارشد ایران در آلمان، استانداری و نمایندگی مجلس برسد و از فیلترهای نظارتی عبور کند؟ سابقه اظهارات او درباره تنگه هرمز و بی‌اثر دانستن افزایش قیمت نفت نیز نشان داد که اعتماد به چنین تحلیل‌هایی تا چه اندازه می‌تواند پرهزینه باشد.

در سوی دیگر، مهدی محمدی، مشاور قالیباف، با ادبیاتی مشابه، منتقدان را «سربازان پوششی اسرائیل» خوانده و مدعی شده آنان در پروژه نتانیاهو برای ایجاد شکاف در ایران فعالیت می‌کنند. او در حالی از احترام به محسن رضایی سخن می‌گوید که پیش‌تر مواضع سرلشکر رضایی درباره اشتباه در اسلام‌آباد و تفاوت شروط جدید را «کاملاً بی‌اعتبار» خوانده بود. این فرار رو به جلو، تناقضی است که با چند فایل صوتی و بیانیه برطرف نمی‌شود. اینجا تفاوت مهم دو بازوی وفاق آشکار می‌شود: اصلاح‌طلبان برجامی دست‌کم از هوش ماکیاولیستی و مهارت خدعه‌گرانه در پیشبرد پروژه‌های سیاسی برخوردارند؛ اما بازوی قالیباف‌ی وفاق حتی همان هوش رذیلانه و محاسبه‌گری را هم ندارد و با برچسب‌زنی شتاب‌زده، عملاً به تخریب سرمایه اجتماعی خود مشغول است.

اتهام‌زنی‌ها در حالی ادامه دارد که اگر تاریخ نفوذ، جاسوسی و خرابکاری سرویس‌های اسرائیلی و غربی در ایران بررسی شود، پرونده‌های پرشمار جاسوسی مرتبط با دوره دولت‌های خاتمی و روحانی و شبکه‌های سیاسی و برجامی نیازمند پاسخگویی جدی‌اند. مسئله امروز عادی‌سازی اتهام خیانت و موساد پروری علیه نیروهای انقلابی است. وحدت مسئولان با خفه کردن نقد و مصونیت بخشیدن به توهین‌گران تأمین نمی‌شود. اگر قرار است از وحدت دفاع شود، نخست باید مرز نقد و تهمت روشن شود و دستگاه قضایی در برابر این هتاکی‌های سازمان‌یافته مسئولانه عمل کند.

«نوبنیاد» دو روایت مشکوک از رسانه‌های رقیب ترامپ با هدف توجیه حمله به زیرساخت‌های ایران را بررسی می‌کند

دموکرات‌ها در خدمت جنگ

تصور تفاوت ماهوی میان جمهوری‌خواهان و دموکرات‌های آمریکا در دشمنی با ایران، یکی از خطاهای راهبردی در فهم سیاست خارجی واشنگتن است. تاریخ چهار دهه تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی نشان می‌دهد دموکرات‌ها نه‌تنها در تحریم و فشار اقتصادی دست‌کمی از جمهوری‌خواهان نداشته‌اند، بلکه بارها با حفظ میراث نظامی‌گری دولت‌های جمهوری‌خواه، ابزارهای پیچیده‌تری برای فرسایش قدرت ایران طراحی کرده‌اند؛ رویکردی که امروز در حمایت از محاصره دریایی و عادی‌سازی جنایات احتمالی علیه ایران نیز قابل مشاهده است.



The New York Times

Account

World | War in the Middle East | Iran | Israel-Hamas War | Global Conflicts | Climate | Africa | Asia | Europe

War May Answer Longtime Riddle of Iranian Dams Built for No Clear Reason

Environmentalists have long puzzled over a wide network of water projects lacking any obvious justification. Then their areas were targeted in airstrikes.

The Karun-4 Dam in Chaharmahal and Bakhtiari Province in Iran, near areas that were hit in strikes during the U.S.-Israeli war with Iran.
Abedin Taherkenareh/EPA, via Shutterstock

By Sanam Mahoozi and Erika Solomon | Nov. 16, 2026 | Share full article | 655

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

باور عامیانه‌ای وجود دارد که جمهوری‌خواهان آمریکا نماد جنگ‌طلبی و دشمنی با ایران هستند و دموکرات‌ها نماینده دیپلماسی و توافق‌اند. این دوگانه‌سازی ساده‌اندیشانه، نه‌تنها با تاریخ سیاست خارجی آمریکا همخوانی ندارد، بلکه در سایه حضور برجامی‌ها عاشقان همیشگی دموکرات‌ها در تهران می‌تواند زمینه‌ساز خطاهای پرهزینه در محاسبات سیاسی کشور شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رفتار دموکرات‌ها، بهره‌برداری از میراث نظامی و امنیتی جمهوری‌خواهان است؛ بدون آنکه مسئولیت سیاسی آن را به همان اندازه بپذیرند. باراک اوباما پس از حمله نظامی جورج بوش به عراق و افغانستان، نه‌تنها میراث حضور نظامی آمریکا در این دو کشور را فوراً کنار نگذاشت، بلکه حضور و عملیات نظامی آمریکا در این کشورها در دوران او ادامه یافت. جو بایدن نیز پس از پایان دوره نخست ترامپ، با وجود شعار بازگشت به دیپلماسی، آمریکا را به انجام همان اندک تعهدات خود در برجام بازنگرداند.

امروز نیز همین الگو در حال تکرار است. دموکرات‌ها ضمن تأیید محاصره دریایی ایران، در فضای سیاسی و رسانه‌ای آمریکا به عادی‌سازی فشارهای بیشتر و حتی گزینه نظامی کمک می‌کنند. این رویکرد، در کنار تلاش برای جلب حمایت محافل قدرتمند طرفدار اسرائیل و حامیان مالی آن، نشان می‌دهد مخالفت ظاهری با شیوه‌های ترامپ الزاماً به معنای مخالفت با اهداف ضدایرانی او نیست.

اظهارات آندره کارسون، نماینده دموکرات مجلس نمایندگان از ایالت ایندیانا، در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان نمونه‌ای از این فضاسازی است. او با ادعای دریافت گزارش‌های محرمانه درباره تهدیدهای ایران گفت گزارش مربوط به مخفی‌سازی مواد ساخت بمب در خاک آمریکا برایش تعجب‌آور نیست. کارسون همچنین مدعی شد ایران به‌دلیل تحولات منطقه و ازدست‌دادن کنترل خود، به دنبال تغییر موازنه است و احتمال دارد افراد هوادار یا کسانی که مستقل رادیکال شده‌اند، اقداماتی را اجرا کنند. چنین اظهاراتی، بدون ارائه شواهد علنی و قابل ارزیابی، می‌تواند به ساختن فضای تهدید و توجیه اقدامات بعدی علیه ایران کمک کند.

جنگ‌طلبی پشت نقاب مخالفت با جنگ

دموکرات‌ها درحالی‌که از هزینه‌های سیاسی جنگ برای ترامپ بهره‌برداری می‌کنند که رسانه‌های نزدیک به این حزب با برجسته‌سازی تهدیدهای ادعایی ایران و امنیتی‌سازی زیرساخت‌های حیاتی کشور، زمینه روانی و رسانه‌ای تشدید تقابل نظامی را فراهم می‌کنند؛ سناریویی دو سر برد که می‌تواند هم ترامپ را در باتلاق جنگ گرفتار کند و هم اهداف ضدایرانی اسرائیل را پیش ببرد.

نیویورک‌تایمز و عادی‌سازی جنایت علیه زیرساخت‌های ایران

در همین چارچوب، گزارش عجیب، به غایت غیرمنطقی و مشکوک ۱۶ نوامبر نیویورک‌تایمز رسانه نزدیک به دموکرات‌ها درباره سدها و پروژه‌های آبی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. این گزارش با طرح این احتمال غیرعلمی که پروژه‌های انتقال آب، خطوط لوله، تونل‌ها و سدها ممکن است برای پشتیبانی از توان نظامی ایران توسعه یافته باشند، عملاً زیرساخت‌های حیاتی و غیرنظامی کشور را در معرض برچسب‌گذاری امنیتی قرار می‌دهد؛ آن هم بدون ارائه اسناد متقن و قابل راستی‌آزمایی برای اثبات چنین ادعایی. این گزارش با مشارکت صنماحوزی (یهودی ایرانی الأصل) و گفت‌وگو با برخی فعالان محیط زیست وطن‌فروش ایرانی (که نام کاوه مدنی محبوب اصلاح‌طلبان نیز در آن هست) منتشر شده و نام دنی سیترینویچ، رئیس میزایران در سازمان اطلاعاتی آمان نیز در آن دیده می‌شود. تسنیم نیز با بررسی این مقاله از ارتباطات حرفه‌ای او با رونن برگمن، خبرنگار اسرائیلی، و نقش احتمالی چهره‌های اطلاعاتی اسرائیل در تولید برخی گزارش‌های رسانه‌ای آمریکا اشاره کرده است. گمانه‌زنی‌ها حاکی از این است که به خصوص پس از گزارش‌های جهت‌دار و مشکوک برگمن اسرائیلی و فرناز فصیحی نزدیک به ظریف در نیویورک تایمز این بار این عناصر پشت نام عده‌ای که نام خود را ایرانی گذاشته‌اند دستورات اسرائیل را اجرا کنند.

مکس بلومنتال نیز این گزارش‌ها را مبتنی بر حدس و گمان‌هایی دانسته که ممکن است اسرائیل و آمریکا برای توجیه بمباران سدهای ایران به آنها استناد کنند. مسئله اساسی اینجاست که وقتی یک رسانه دموکرات آمریکایی زیرساخت‌های آبی، تأمین آب و برق و سدهای یک کشور را در چارچوب اهداف نظامی بازتعریف می‌کند، عملاً می‌تواند در شکل‌دهی به توجیهات تبلیغاتی برای حمله به اهداف غیرنظامی نقش ایفا کند. این همان خطری است که تجربه گزارش‌های جهت‌دار درباره بیمارستان الشفای غزه در سال ۲۰۲۴ نیز اهمیت آن را نشان داد.

نفیو و پترائوس؛ نشانه‌های اجماع دوحزبی برای فشار بر ایران

برای فهم عمق دشمنی دموکرات‌ها با ایران، کافی است به مواضع ریچارد نفیو دموکرات، از طراحان اصلی تحریم‌های ایران در دولت اوباما، توجه شود. نفیو در مقالات متعدد در طی ۹ ماه اخیر نیز نشان داده است در ضدیت با ایران قطعا گوی سبقت را از دولت ترامپ از جمله هگست، روبیو و بنست همجنس باز نیز ربوده است. او در مقاله آوریل ۲۰۲۶ خود، راهبردی فراتر از توافق جامع را به ترامپ پیشنهاد کرد: ورود ایران به منطقه خاکستری؛ نه جنگ تمام‌عیار و نه صلح، بلکه فشار مستمر، ضربات فرسایشی و مهار تدریجی. نفیو توصیه کرد واشنگتن به توافقی محدود برای باز نگه‌داشتن تنگه هرمز رضایت دهد، اما فشار حداکثری را حفظ کند. او همزمان بر سوءمدیریت اقتصادی، نارضایتی داخلی و ناتوانی احتمالی دولت پزشکیان در اداره همزمان اقتصاد و امنیت تمرکز کرد.

دشمنی بدون مرزبندی حزبی

فضاسازی ضدایرانی دموکرات‌ها را نمی‌توان جدا از پیوندهای قدرت و منافع مالی در سیاست آمریکا تحلیل کرد. حمایت از اسرائیل در واشنگتن، علاوه بر یک رویکرد راهبردی، با نفوذ لابی‌های قدرتمندی همچون آیپک و شبکه‌ای از اهداکنندگان بزرگ سیاسی یهودی گره خورده است؛ جریان‌هایی که برای حفظ برتری اسرائیل و تداوم اجماع ضدایرانی در کنگره و دولت آمریکا تلاش می‌کنند. نتیجه آن است که مخالفت ظاهری با سیاست‌های جنگی ترامپ لزوماً به معنای مخالفت با جنگ علیه ایران نیست. آنان می‌توانند با متهم کردن ترامپ به ناکامی، هزینه سیاسی تقابل را بر دوش رقیب جمهوری‌خواه بیندازند و هم‌زمان با تشدید فضاسازی ضدایرانی، اهداف تل‌آویو را پیش ببرند.

با این حال، بخشی از جریان برجامی و وفاقی در داخل، با هر نشانه‌ای از پیروزی دموکرات‌ها دوباره سودای احیای رابطه عاطفی و سیاسی خود با واشنگتن را زنده می‌کند.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

دلال‌ها را از دیسکورس فلسفی دور نگه دارید!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

برگزاری مناظره میان بیژن عبدالکریمی و موسی غنی‌نژاد در برنامه «آزاد»، بار دیگر مناقشه‌ای قدیمی اما تعیین‌کننده را به فضای فکری کشور بازگرداند: نسبت عقل مدرن با دین و امکان حضور اسلام در عرصه سیاست و حیات اجتماعی. غنی‌نژاد در این گفتگو، ضمن حملات وهتاکی مکرر به دکتر علی شریعتی، به نفی اسلام سیاسی پرداخت و بار دیگر بر ضرورت مواجهه با مسائل جامعه از دریچه عقلانیت مدرن تأکید کرد. مسئله البته فراتر از اختلاف نظر درباره شریعتی یا حدود حضور دین در سیاست است. آنچه در این مناظره عیان بود، نوعی تلقی تقلیل‌گرایانه از عقلانیت بود که می‌کوشد همه وجوه حیات انسانی و حتی سرنوشت تاریخی ملت‌ها را به محاسبات عقل عرفی و موازنه سود و زیان فروبکاهد و نتیجه‌گیری کند که مقاومت در برابر آمریکا به دور از خرد و عقلانیت است. اما ریشه بحران‌های امروز ایران را باید دقیقا در جایی جست‌وجو کرد که یک اقتصاددان عرفی را به دیسکورس فلسفی دعوت می‌کنند. موسی غنی‌نژادها، که ذوب در عقل مدرن و البته درکی ناقص و تقلیل‌یافته از آن هستند، چنان انسان را در مرکز عالم و معیار نهایی ارزش‌گذاری امور نشانده‌اند که اساساً امکان فهم ساحت‌هایی فراتر از عقل محاسبه‌گر و منفعت‌اندیش را از دست داده‌اند. از منظر اینان، پنجه در پنجه انداختن با آمریکا جنون است و مقاومت در برابر متجاوز، هنگامی که موازنه قوای مادی به سود اوست، چیزی جز حماقت نیست. در منطق این عقل دلال مسلک، اگر کسی به ناموس شما تعرض کند و قدرت مقابله با او را نداشته باشید، عقلانیت حکم می‌کند که تسلیم شوید و به انتظار پایان غارت بنشینید! ذهن استعمارزده‌ای که افق نظری‌اش در ترجمه آرای فون هایک خلاصه می‌شود، طبعاً کنش حضرت ابراهیم علیه‌السلام در ماجرای ذبح فرزندش را نیز از منظر عقلانیت متعارف، اقدامی نامعقول و حتی جنون‌آمیز ارزیابی خواهد کرد؛ چراکه در دستگاه فکری او، هیچ حقیقتی فراتر از محاسبه سود و زیان و هیچ معیاری بیرون از عقل ابزاری به رسمیت شناخته نمی‌شود. سورن کیرکگور، فیلسوف دانمارکی، دقیقاً از همین گسست میان عقل متعارف و ساحت ایمان در کتاب «ترس و لرز» سخن می‌گوید. او در مواجهه با روایت ابراهیم، پرسشی بنیادین طرح می‌کند: چگونه می‌توان کنشی را که از منظر اخلاق عمومی و عقل کلی ناموجه است، در نسبت فرد با امر مطلق فهم کرد؟ کیرکگور این وضعیت را «تعلیق غایت‌شناختی امر اخلاقی» می‌نامد. لحظه‌ای که ایمان، در پارادوکسی هولناک، از چارچوب داوری عقل عمومی فراتر می‌رود. ابراهیم می‌داند چه مسیری را در پیش گرفته است، اما منطق ایمان او را نمی‌توان به محاسبات متعارف تقلیل داد. این موضوع علاوه بر اینکه انکار عقل نیست، به ما یادآوری می‌کند که عقل محاسبه‌گر، ممکن است تمام حقیقت انسان و همه افق‌های ممکن کنش او را نفهمد. از نظر غنی‌نژادها، عقل عرفی پاسخ همه مسائل ما را می‌دهد. اما کافی است به تاریخ جهان مدرن و تناقضات درونی آن، به‌ویژه وقایع پس از هفتم اکتبر در غزه، نگاهی بیندازیم تا ببینیم چگونه همین تمدنی که خود را بر قله عقلانیت و اخلاق ایستاده می‌پندارد، می‌تواند خشونت عریان و بربریت را در پوشش مفاهیمی چون امنیت، منافع ملی و ضرورت سیاسی صورت‌بندی و حتی توجیه کند. عقلانیتی که مدعی است همه چیز را می‌فهمد، چگونه در برابر چنین فجایعی به تماشاگر یا حتی ابزار آن بدل می‌شود؟ با این همه، استاد اقتصاد خوان ما همچنان به قدری شیفته دستگاه مفهومی غرب است که گویی هیچ شکافی میان ادعاهای فلسفی آن و واقعیت تاریخی‌اش وجود ندارد. انگار نه تناقضات این منظومه را می‌بیند و نه ظرفیت آن را برای تبدیل عقلانیت به ابزار سلطه. انگار به تعبیر قرآن، بر گوش و چشم او مهر نهاده‌اند.

درباره حواشی تازه در شبکه خانگی؛ وقتی عبور از خطوط اخلاقی به ابزار جلب مخاطب تبدیل می‌شود.

ابتذال در نمایش خانگی برای وایرال

ماجرای سریال «یل» و انتشار صحنه در آغوش گرفتن دو بازیگر زن و مرد، بار دیگر بحث حدود اخلاقی تولیدات شبکه نمایش خانگی را به صدر اخبار فرهنگی آورده است. توقف انتشار این مجموعه با دستور قضایی، پس از واکنش‌های گسترده به قسمت ششم، بار دیگر یک پرسش قدیمی را پیش روی ناظران فرهنگی قرار می‌دهد: چرا بخشی از تولیدات این حوزه با صحنه‌هایی روبه‌رو می‌شوند که از ابتدا احتمال واکنش اجتماعی و برخورد نهادهای نظارتی درباره آنها قابل پیش‌بینی است؟ مرور تجربه چند سال گذشته نشان می‌دهد حاشیه، اعتراض و حتی خبر توقیف در مواردی به بخشی از چرخه تبلیغاتی آثار تبدیل شده است. در چنین شرایطی، مرز میان جسارت هنری و قبح‌شکنی عامدانه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و نمی‌توان از مسئولیت سازندگان در قبال فرهنگ عمومی چشم پوشید.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

صحنه جنجالی «یل» را باید در بستر روندی بررسی کرد که طی سال‌های گذشته در بخشی از شبکه نمایش خانگی شکل گرفته است. مسئله بر سر یک قاب یا یک تماس فیزیکی نیست. نگرانی اصلی، تکرار الگویی است که در آن عبور از خطوط اخلاقی و شرعی، واکنش مخاطبان و ورود نهادهای نظارتی، به چرخه‌ای برای افزایش توجه عمومی به یک اثر تبدیل می‌شود. در این الگو، هر اعتراض می‌تواند به تبلیغ تازه‌ای برای مجموعه بدل شود و نام آن را دوباره به صدر خبرها برگرداند.

این موضوع پیشینه رسانه‌ای مشخصی دارد. خبرگزاری تسنیم در تیرماه ۱۴۰۰، هم‌زمان با حواشی سریال «زخم کاری»، در گزارشی با عنوان «پشت پرده گرای سانسور و توقیف سلبریتی‌ها» به احتمال بهره‌برداری تبلیغاتی از انتشار تصاویر صحنه‌های حذف‌شده و جنجال‌های مربوط به توقیف پرداخت. انتشار تصویری از قسمت ششم این مجموعه توسط هانیه توسلی و اعتراض‌های بعدی بر سر محتوای سریال، نمونه‌ای بود که در همان زمان توجه رسانه‌ها را به رابطه میان حاشیه و تبلیغات جلب کرد.

در همان سال، توقف انتشار قسمت هفتم «زخم کاری» پس از اختلاف عوامل تولید با ساترا بر سر اصلاحات محتوایی، به موضوعی گسترده در رسانه‌ها تبدیل شد. حتی مقام مسئول در ساترا نیز در واکنش به این اتفاق، جنجال‌های پیاپی را به‌عنوان یک تکنیک بازاریابی زیان‌بار توصیف کرد. پیش از آن، «می‌خواهم زنده بمانم» نیز با خبر توقف و اعتراض به محتوای خود در مرکز توجه رسانه‌ها قرار گرفته بود.

نمونه دیگر، سریال «ممنوعه» است که در سال ۱۳۹۷ پس از انتشار دو قسمت ابتدایی با حواشی مرتبط با روابط نامتعارف و رفتارهای جوانان متوقف شد. «غربت» نیز در سال ۱۴۰۳ پس از اعتراض به بخش‌هایی از محتوای آن و طرح موضوعاتی درباره روابط شخصیت‌ها، با دستور قضایی متوقف شد و پس از اصلاحات به چرخه انتشار بازگشت. این نمونه‌ها از نظر علت و جزئیات یکسان نیستند، اما نشان می‌دهند چالش محتوایی و توقف انتشار در نمایش خانگی پدیده‌ای مقطعی نبوده است.

اتفاقات مشابه بعدها برای سریال‌های دیگری نظیر «سووشون»، «تاسیان» و ... نیز اتفاق افتاد. وقتی یک الگو بارها تکرار می‌شود، ضرورت بررسی انگیزه‌های اقتصادی و رسانه‌ای آن جدی است. برای برخی تولیدکنندگان، هزینه جنجال ممکن است در برابر میزان دیده‌شدن اثر ناچیز باشد. در چنین فضایی، اعتراض خانواده‌ها و دغدغه‌مندان فرهنگی نیز ناخواسته به بازنشر نام محصولی کمک می‌کند که محل اعتراض آنهاست. نگرانی عمیق‌تر به پیامد فرهنگی این روند بازمی‌گردد. نمایش مکرر رفتارهای مغایر با احکام اسلامی و هنجارهای اخلاقی، آن هم در قالب سرگرمی روزمره خانوارها، می‌تواند حساسیت عمومی نسبت به این مرزها را کاهش دهد. عادی‌سازی روابط نامشروع، نمایش بی‌قید‌وشرط مناسبات زن و مرد و تبدیل حریم اخلاقی به موضوعی برای شوخی و هیجان، با مبانی فرهنگ اسلامی و ایرانی سازگار نیست. تولیدکننده حق ندارد مسئولیت اجتماعی خود را پشت عنوان آزادی هنری پنهان کند.

نهادهای ناظر باید پیش از صدور مجوز و آغاز انتشار، مسئولیت نظارتی خود را جدی بگیرند تا مخاطب هر هفته با جنجال تازه‌ای روبه‌رو نشود. فرهنگ عمومی میدان آزمون ترفندهای تبلیغاتی نیست و اعتماد خانواده‌ها سرمایه‌ای نیست که بتوان آن را برای چند روز بیشتر دیده‌شدن یک سریال هزینه کرد.

در نهایت، آنچه باید در سیاست‌گذاری فرهنگی مورد توجه قرار گیرد، جلوگیری از شکل‌گیری بازاری است که در آن هرچه اثر به خطوط قرمز اخلاقی نزدیک‌تر شود، شانس بیشتری برای دیده‌شدن پیدا کند. اگر چنین سازوکاری تثبیت شود، تولیدکننده‌ای که برای جذب مخاطب به روایت خلاقانه و کیفیت هنری تکیه می‌کند، در رقابتی نابرابر قرار خواهد گرفت. صیانت از فرهنگ عمومی نیازمند نظارت دقیق، پاسخ‌گویی پلتفرم‌ها و برخورد متناسب با تخلفات است.

یادداشت

افخمی سبک‌بالانه فیلم می‌سازد

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

فیلم دکتر فون گویر به کارگردانی بهروز افخمی اکنون در مراحل پایانی پست پروداکشن قرار دارد. حال این اثر سینمایی با حواشی و اظهارنظرهای جالب توجه سازنده‌اش همراه شده و افخمی صراحتا اعلام کرده است که هیچ برنامه‌ای برای حضور در بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر ندارد و حتی اگر این فیلم -که برداشتی آزاد از دکتر استرنج لاو کوبریک است- در رویداد یاد شده غایب باشد نیز هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شود. دلیل اصلی این موضع‌گیری زبان اثر است زیرا فیلم به زبان فارسی ساخته نشده است.

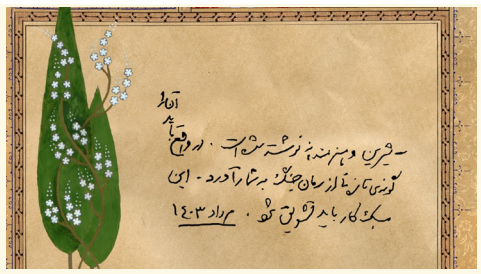
کارگردان شوکران تاکید کرده است که در صورت ورود اثرش به جشنواره سایر فیلم‌سازان حق دارند با این موضوع مخالفت کنند. این موضع‌گیری شجاعانه و منطقی را باید در کنار رفتار بسیاری از مدعیان سینمای ایران قرار داد. عده‌ای از سینماگران همواره خود را دغدغه‌مند فرهنگ و هنر این مرز و بوم معرفی می‌کنند اما در عمل تنها به دنبال دیده شدن هستند.

این افراد حاضرند هرگونه افت کیفی را بپذیرند تا فقط نامشان در ویترین جشنواره‌ها و اکران‌ها قرار گیرد. آن‌ها حاضر نیستند حتی یک ریال از بودجه‌های کلان نهادی را که برای ماندن در این صحنه پرزرق و برق دریافت می‌کنند از دست بدهند. در مقابل این رویکرد فرصت‌طلبانه بهروز افخمی مسیری کاملا متفاوت را طی می‌کند. او که با ساخت آثاری چون عروس، جهان پهلوان تختی، صبح اعدام، روز شیطان، روباه و... جایگاه ویژه‌ای در تاریخ سینمای ایران دارد اکنون با نگاهی واقع‌بینانه و حتی ریشخندآمیز به وضعیت موجود می‌نگرد.

کارگردان دکتر فون گویر به راحتی از مرگ سینما سخن می‌گوید و آمادگی خود را برای کناره‌گیری از عرصه فیلم‌سازی اعلام می‌کند. این انصراف داوطلبانه از رقابت‌های فرسایشی و دوری از حاشیه‌های مرسوم نشان می‌دهد که او هنوز اصالت هنر را بر منافع مادی و جایگاه‌های نمایشی ترجیح می‌دهد. در نهایت باید پذیرفت که تفاوت میان یک هنرمند واقعی و یک فرصت‌طلب در همین تصمیمات ساده اما بنیادین مشخص می‌شود.

افخمی با ساخت فیلمی به زبانی غیر از فارسی و عدم تمایل به رقابت در جشنواره فجر پیامی روشن به اهالی صنعت ارسال کرده است. او نشان داد که دغدغه اصلی‌اش خلق یک اثر مستقل است نه کسب جایزه یا جلب توجه نهادهای دولتی. این نگرش والای هنری در دورانی که سینما اسیر منافع مالی شده است ارزشی دوچندان دارد و نشان می‌دهد که هنوز می‌توان با شرافت و بدون سازش به مسیر هنری خود ادامه خواهد داد.

تقریظ رهبر شهید انقلاب بر رمان «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» منتشر شد



متن تقریظ حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی، بر رمان «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» نوشته نیما اکبرخانی، در بیست‌ودومین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت منتشر شد.

این مراسم روز سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۵، با محوریت انتشار تقریظ ایشان بر این اثر داستانی برگزار شد. رمان «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» به روایت بخش‌هایی از مجاهدت‌های کمتر روایت‌شده در مواجهه با ماشین ترور رژیم صهیونیستی می‌پردازد و تلاش دارد این رویارویی را در قالبی داستانی و در بستر ادبیات مقاومت بازنمایی کند.

رهبر شهید انقلاب در تقریظ خود که در مردادماه ۱۴۰۳ نوشته شده، این اثر را «شیرین و هنرمندانه» توصیف کرده و آن را گونه‌ای تازه از رمان جنگ دانسته‌اند.

در متن این تقریظ آمده است: «در واقع باید آن را گونه‌ی تازه‌ئی از رمان جنگ به شمار آورد. این سبک کار باید تشویق شود.»

این تقریظ بر اهمیت تجربه‌های تازه در روایت ادبی مجاهدت‌ها و مقاومت در برابر تروریسم صهیونیستی تأکید دارد.